

نامه اتاق بازرگانی کرمانشاه

شماره
42 www.krccim.ir

نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه / خرداد ۱۳۹۲
Kermanshah Chamber Of Commerce, Industries & Agriculture

پویایی اقتصادی در گرو حملات از تولید



آغاز به کار جلسات گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمانشاه
نقش بخش کشاورزی در حماسه اقتصادی کشور
شناسایی خوشهای صادراتگرای استان کرمانشاه
فراز و فرودهای اقتصاد بین الملل در سال ۹۱

توبیین: کینزی‌های جدید کیnezی نیستند
هنر نزد ایرانیان است و بس / این گفته اغراق آمیز نیست و ناشی از فرهنگ والا ایرانی است
اهمیت ریست محیطی جنگل های بلوط زاگرس و لزوم توجه جدی به حفاظت از آنها
دیدگاه مدیریت در نگهداری و تعمیرات فراگیر
قاچاق، استغلال دروغین در مرزها
شکوفایی منطقه ویژه اقتصادی اسلام آباد باعث ایجاد قطب بزرگ اقتصادی در غرب کشور خواهد شد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

نَّاْمَةُ اتَّاقِ كَرْمَانْشَاه



نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی کرمانشاه
سال نهم، شماره ۴۷ چهل و دوم، خردادماه ۹۲

Kermanshah Chamber Of Commerce,
Industries, Mines & Agriculture

صاحب اقتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی کرمانشاه
مدیر مسئول: کیوان کاشفی
سر دبیر: گلایر قهرمانی
ویراستار: واحد روابط عمومی
تلفکس روابط عمومی و پذیرش آگهی: ۰۸۳۱ ۸۴۵۴۵۶
گرافیک و صفحه آرایی: گلایر قهرمانی
لیتوگرافی/چاپ/صحافی:

آدرس: کرمانشاه، بلوار شهید بهشتی، شماره ۵۳۵
کد پستی: ۶۷۱۵۶۶۴۵۵۱
تلفن: ۰۸۳۱ ۸۴۴۸۱۳۱-۴۱-۵۱
پایگاه الکترونیک: www.krccim.ir
پست الکترونیک: info@krccim.org

- نشریه اتاق بازرگانی کرمانشاه از عموم اعضاء،
محققان و نویسندگان مقاله و نقد می پذیرد.
- نظرات مندرج در نشریه الزاماً نظر نشریه نیست.
- نشریه اتاق کرمانشاه در اصلاح، تلخیص
و ویرایش مطالب آزاد است.
- مطالب ارسال شده برگردانده نمی شود.

نَّاْمَةُ اتَّاقِ كَرْمَانْشَاه

در این شماره میخوانیم

فرازی از سخنان دهبر انقلاب

سخن نخست

پیام استاندار کرمانشاه به مناسبت سال ۹۲

یادداشت هیئت نمایندگان اتاق کرمانشاه در سال جدید

اصل قضیه

بخش مقالات

بخش کشاورزی و توسعه اقتصاد ملی

قاچاق، اشتغال دروغین در مرزها

تأثیر برگزاری نمایشگاه ها در ابعاد مختلف

شناسایی خوش های صادراتگرای استان کرمانشاه با خوش های

صادراتگرای نخود و دام زنده استان

دیدگاه مدیریت در نگهداری و تعمیرات فرآینر

نقش بخش کشاورزی در حمامه اقتصادی کشور

اهمیت زیست محیطی جنگل های بلوط زاگرس و لرستان توجه جدی به حفاظت

از آنها

شاخص های توسعه ای در حمل و نقل دریایی جهان

بخش بین الملل

روند اقتصادی جهان به کدام سو می رود؟

تحلیلی بر اقتصاد و فرهنگ کشور تاجیکستان

کسب و کار مجازی به سبک چینی

معرفی استان دیالی کشور عراق

تولد یک پدر در تولیدی لباس زنانه

قوایین تجارت بین الملل

فراز و فرودهای اقتصاد بین الملل در سال ۹۱

بخش گفتگو

گفتگو با آقای هوشنگ عنالی، مدیر عامل منطقه ویژه اقتصادی اسلام آباد

غرب تویین: کیزی های جدید کیزی نیستند

گفتگو با سر کار خانم عفت ملکی، کارآفرین نمونه استان کرمانشاه

صحبی با محمد هادی مهدویان

اولین نشست فعالان بخش خصوصی استان با استاندار کرمانشاه

تشریح برنامه های سال ۹۲ در جلسه هیئت نمایندگان اتاق کرمانشاه

دیدار رئیس و هیئت نمایندگان اتاق کرمانشاه با سرکنول جدید عراق در

استان کرمانشاه

سومین جلسه شورای ملی نخود ایران

آغاز به کار شورای گفتگی دولت و بخش خصوصی در کرمانشاه

نگاهی گذرا به وب سایت اتاق بازرگانی کرمانشاه

تفوییم برگزاری نمایشگاه های شش ماهی اول سال ۹۲ شرکت نمایشگاه های

بنیان اسلامی کرمانشاه

آمار و عملکرد کارت بازرگانی و گواهی مبدأ در دو ماهی اول سال ۹۲

دستیار و معاون کرایه
اتاق بازرگانی
و معاون کرایه





سال ۹۲ برابر چشم انداز امیدوارانه‌ای که به لطف پروردگار و همت مردم مسلمان برای ما ترسیم شده است، سال پیشرفت و تحرک و ورزیدگی ملت ایران خواهد بود؛ نه به این معنا که دشمنی دشمنان کاسته خواهد شد، بلکه به این معنا که آمادگی ملت ایران بیشتر و حضور او مؤثرتر و سازندگی آینده‌ی این ملت به دست خودشان و با همت با کفایت خودشان ان شاء الله بهتر و امیدبخش تر خواهد شد.

البته آنچه را که ما در سال ۹۲ در پیش رو داریم، باز عمدتاً در دو عرصه‌ی مهم اقتصاد و سیاست است. در عرصه‌ی اقتصاد، به تولید ملی باید توجه شود؛ همچنان که در شعار سال گذشته بود. البته کارهای هم انجام گرفت؛ منتها ترویج تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی، یک مسئله‌ی بلندمدت است؛ در یک سال به سرانجام نمیرسد. خوشبختانه در نیمه‌ی دوم سال ۹۱ سیاستهای تولید ملی تصویب شد و ابلاغ شد — یعنی در واقع این کار ریل گذاری شد — که بر

اساس آن، مجلس و دولت میتوانند برنامه‌ریزی کنند و حرکت خوبی را آغاز کنند و ان شاء الله با همت بلند و با پشتکار پیش بروند. و ان شاء الله امور سیاسی، کار بزرگ سال ۹۲، انتخابات ریاست جمهوری است؛ که در زمینه‌ی اجرائی و سیاسی، و به یک معنا مقدرات عمومی کشور را برای در واقع مقدرات اجرائی و سیاسی، و به یک مسئله‌ی بلندمدت است؛ که در این چهار سال آینده برنامه‌ریزی میکنند. ان شاء الله مردم با حضور خودشان رقم میدان هم خواهند توانست آینده‌ی نیکی را برای کشور و برای خودشان رقم بزنند. البته لازم است هم در زمینه‌ی اقتصاد، هم در زمینه‌ی سیاست، حضور مردم حضور جهادی باشد. با حماسه و با شور باید وارد شد، با همت بلند و نگاه

امیدوارانه باید وارد شد، با دل پر امید و پر نشاط باید وارد میدانها شد و با حماسه آفرینی باید به اهداف خود رسید. با این نگاه، سال ۹۲ را به عنوان «سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی» نامگذاری میکنیم و امیدواریم به فضل پروردگار، حماسه‌ی اقتصادی و حماسه‌ی نامگذاری میکنیم و امیدواریم به فضل پروردگار و دلسوز کشور تحقق سیاسی در این سال به دست مردم عزیzman و مستولان پیدا کند.

به امید توجهات پروردگار و دعای حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداء) و با درود به روح مطهر امام بزرگوار و شهیدان عزیز.

پویایی اقتصادی در گرو حمایت از تولید

آیا موقعیت فعلی بهترین زمان برای این امر است؟ قطعاً با توجه به پیچیدگیهای موجود در علم اقتصاد امکان جواب صریح و قاطع به این امر امکان پذیر نمی باشد کما اینکه تازگی این بحث موجب شده که زوایای مختلف مثبت و منفی و امکانات و لازمه های مورد نیاز برای تحقق این هدف به طور کامل توسط کارشناسان بررسی و مشخص نگردیده است. به نظر میرسد با توجه به پتانسیل های موجود در کشور به مانند ثروت های خدادای، ثروت های انسانی و ثروت های سرمایه ای رسانیدن به این امر به هیچ وجه دور از ذهن نیست که امکان طی پله های ترقی و ایجاد ثروت و رفاه در درجات بالا نیز کاملا ممکن و عملی است اما برای نیل به این هدف به دو مبحث اساسی و تعیین کننده می بایست توجه ویژه داشت.

اول اینکه طی این مسیر نیاز به برنامه های خاص و استراتژی معین با کمترین میزان انحراف را دارد. اینکه امروز که درآمدهای نفتی مان محدود شده شعار قطع وابستگی به درآمدهای نفتی را سر دهیم و فردا که محدودیت ها کم و یا برداشته شده همه را فراموش کنیم و به سرعت به سیاست های غلط و ریخت و پاش های درآمدهای نفتی و تزریق نقدینگی به جامعه و افزایش تورم اقدام کنیم، قطعاً ما را به هدف نخواهد رساند. به نظر نگارنده همانگونه که امروز قطع وابستگی به درآمدهای نفتی با توجه به پژوهه های نیمه کاره فراوان کشور و مفروض بودن دولت به بخش های مختلف امکان پذیر نیست رسانیدن به چنین هدفی نیز جز با داشتن برنامه و اعتقاد و ایمان به اجرای آن عملیاتی نخواهد گشت.

دوم بدون شک کشور ما برای ایجاد تعامل و تعادل با جهان خارج هم نیاز به واردات و هم نیاز به صادرات دارد. فراموش نکنیم کشوری به مانند چین که سالیانی رقم تزدیک به یکهزار و پانصد میلیارد دلار صادرات دارد رقمی در حدود یکهزار و سیصد میلیارد واردات کالا و مواد اولیه دارد. بنابرین جهت حضور و مشارکت در بازار دنیا و کسب ارز خارج از فروش نفت نیاز به تولید کالاهای صادراتی و حضور در بازارهای بین المللی را داریم. لازمه این امر در ابتداء توجه ویژه به تولید کالا و خدمات است که قدرت ارزآوری برای کشور را دارد. این تولید در حوزه های مختلف به مانند صنعت، معدن، کشاورزی، گردشگری، خدمات و ... می تواند ضمن ایجاد مشاغل پایدار در داخل کشور بر درآمد زایی ارزی نیز بپردازد. خوشبختانه در سال های اخیر، در کشور عزیز ما روحیه تولید و مولد بودن به شدت نزد مردم رشد پیدا کرده است، در کنار این امر تولید علم و دانش و افراد آموزش دیده نیز رو به فزونی است. ایجاد هماهنگی و هارمونی لازم و از بین بردن موانع و قوانین مخل کسب و کار به عهده مسئولین و در رأس آنان قوای سه گانه کشور است. چنانچه این خواست به فرهنگی عمومی تبدیل گردد و همگی بدانیم که راهی جز تولید آن هم تولیدی با کیفیت و قیمت مناسب نداریم. آنگاه زمینه های لازم برای دوری از خام فروشی ثروتهای طبیعی خود و حرکت به سوی استفاده بیشتر از ثروتهای سرمایه ای و انسانی به وجود خواهد آمد و در پرتو آن مردم شایسته ایران به ثروت و رفاه لازم خواهند رسید. به امید آن روز

کیوان کاشفی
رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه

تحولاتی که در دو سال گذشته در حوزه اقتصاد کشور رخ داد، آنچنان سریع و غیرمنتظره بود که سردرگمی عجیبی را در بین آحاد مردم به وجود آورد. این حالت گاها در بین تصمیم گیران و مدیران ارشد اقتصادی دولت از شدت بیشتری برخوردار بوده و آنان را مجبور نمود که با شتاب زدگی و صدور خیل عظیمی از بخشنامه و دستورالعمل های مختلف که بعضاً مغایرتهای اساسی نیز با قوانین بالادستی داشت، سعی در کنترل بازار و اوضاع اقتصادی داشته باشند. اما واقعیت این است که بروز این تحولات از مدت‌ها قبل در بین صاحبنظران و نخبگان اقتصادی کشور و فعالین بخش خصوصی پیش بینی شده بود و به کرات به وقوع سونامی، در اقتصاد کشور هشدار داده شده بود که مatasفانه جملگی با بی اعتنایی تصمیم گیرندگان مواجه گردید. امروز ما شاهدیم که پس از سالها مراجعت که به جهت یکسان نمودن نرخ ارز کشیده شد، مجدداً شاهد چند نرخی در بازار ارز کشور هستیم و از همه بدتر اینکه هنوز مسئولین اصلی مانند دولت، مجلس، بانک مرکزی، شورای پول و اعتبار و ... به اجماع کامل در تعیین راهکار مناسب برای غلبه بر این امر نائل نگردیده اند و اصولاً اقدام عملی و اجرایی برای حل این مشکل عدمده، انجام نشده است. از سوی دیگر فشارهای خارجی که عمدتاً با تکیه بر ایجاد اخلاق در فروش نفت به عنوان مهمترین منبع درآمدی دولت و محدود نمودن امکان تبادل ارزی و بانکی با جهان خارج افزایش بی سابقه یافته و اثرات آن به تدریج بر بازارهای داخلی و حوزه های مختلف تولید خود را به رخ می کشاند، و مatasفانه در این امر نیز استراتژی مقابله ای مشخصی در دست نداریم. بر این دو عامل، آشفتگی و آشوب موجود در فضای کسب و کار که به واسطه قوانین و بخشنامه های محدود کننده فراوان به وجود آمده را نیز می بایست اضافه کنیم که این موضوع خود دارای زیرساخه های متعدد و مختلفی باشد که مانند سیاست های انقباضی بانک ها، اثرات هدفمندی حامل های ارزی بر تولید و ... را شامل می گردد. اما در این بین جرقه ای بر ذهن بخشی از تحلیلگران اقتصادی کشور نقش بسته است و آن اینکه بهترین زمان برای قطع وابستگی کشور به منابع حاصل از فروش نفت به دست افتاده است. ارائه آمارهای مختلف از صادرات و واردات کشور وسعی در نشان دادن کم شدن تراز منفی تجارت کشور در سالهای اخیر و استناد به راهکارهایی مانند افزایش صادرات و صرفه جویی در هزینه ها دلایلی است که توسط طرفداران این تفکر ارائه میگردد. همچنین تکیه بر احساسات استقلال در کسب ارز مورد نیاز کشور بدون تکیه بر نفت که همواره به عنوان یک هدف بزرگ برای ما ایرانی ها جذابیت داشته است تقویت کننده این نوع تفکر می باشد. اما به راستی واقعیت چیست؟ آیا زمان قطع وابستگی ما به درآمدهای حاصل از نفت و گاز کشور فرا رسیده؟





**پیام استاندار کرمانشاه
به مناسبت سال
حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی**



با نام و یاد خداوند متعال و درود بیکران به ارواح شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و امام شهیدان که خود پیام آور طراوت و تجدید حیات در کالبد میهن عزیز اسلامی مان بود و با آرزوی سلامتی برای مقام معظم رهبری(مدخله العالی)، در کنار دیگر هموطنان دست های دعا را به سمت بارگاه پرجبروت خداوند متعال برافراشته و صمیمانه از حضرتش می خواهیم تا یاری مان کند که با ساختن ایرانی آبادتر از همیشه بتوانیم افتخار زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر (عج) را داشته باشیم.

پیام و فرمایشات مقام معظم رهبری(مدخله العالی) در ابتدای سال جاری و نام گذاری امسال به نام "حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی" منشاء وحدت و همچنین زمینه ساز مناسبی برای بالندگی بیش از پیش کشور است که باید به عنوان اولویت های بسیار مهم کاری مدیران دستگاه های اجرایی استان مدنظر قرار گیرد.

معظم له با فرمایشات ارزشمند خود ضمن این که اصول حرکتی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را به روشنی و زیبایی ترسیم کرده اند، آینده کشور را با توجه به اقدامات انجام شده و برنامه های نوآوری، فن اوری و دستیابی به علوم جدید بسیار امیدوار کننده و درخشنان دانسته اند.

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با رهبری امام خمینی(ره) و پس از رحلت ایشان توسط مقام عظامی ولایت حضرت امام خامنه ای (مدخله العالی) به سمت شکوفایی، اقتدار و بالندگی و سرافرازی در حرکت است و دشمنان در مقابل این عظمت انقلاب اسلامی قادر به پیشبرد هیچ کدام از توطنه های خود علیه جمهوری اسلامی ایران نیستند. لذا همه باید در راستای تحقق پیام نوروزی امسال مقام معظم رهبری(مدخله العالی) در حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی که پیشرفت، توسعه و اقتدار کشور را به دنبال دارد تلاش نمائیم و این موضوع یکی از راهبردهای اصلی کشور برای ایستادگی و مقاومت در مقابل دشمنان و ایادی استکبار جهانی است.

بيانات معظم له با ایستادگی سیاست گذاری، برنامه ریزی و حرکت به سوی جامعه ای پر از نشاط و امید استان قرار گیرد و ایجاد وحدت و حفظ روحیه ایثارگری و عزتمندی استان و ایران اسلامی از جمله گام های بلند مردم عزیز این مرز و بوم باشد چرا که باید بدانیم تحقق حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی در کشور مسیر پر عظمتی است که ایران را به قله های سعادت و سرافرازی بیش از پیش خواهد رساند.

این جانب ضمن تبریک سال نو به فرد فرد مردم شریف، متدين و دلیر کرمانشاه به خصوص فعالان اقتصادی استان از همه مدیران و کارکنان دستگاه های استان می خواهم که به پشتونه مردم فهیم و با فرهنگ این دیار کهن در سال جدید با جدیت و پشتکار تا رسانیدن استان به جایگاه مطلوب و شان واقعی خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده تا انشاء الله استان کرمانشاه به جایگاه رفیع و درخور قدمت این دیار نایل آید.

حاجت ... دمیاد
استاندار کرمانشاه



یادداشت هیئت نمایندگان اتاق کرمانشاه به مناسبت نام گذاری سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی



آنچه مشخص است این است که نامگذاری سال ۱۳۹۲ تحت عنوان سال "حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی" از جانب رهبر معظم انقلاب را بایستی دکترین جدید و در واقع یک راهبرد کلان برای نظام اسلامی در زمینه اداره امور سیاسی و اقتصادی دانست، که علاوه بر اینکه چشم انداز آن مسائل کشور در ابعاد کلان سیاسی و اقتصادی را مشخص می نماید، بلکه افزون بر آن و مهمتر از همه نقشه راه و مسیر حرکت مستولان کشور و ملت بزرگ ایران چهت نیل به راهبرد فوق الذکر را نیز تبیین و تعیین می کند.

باید تأکید داشت که، تحقق راهبرد کلان کشور برای سال ۱۳۹۲ که از جانب رهبر معظم انقلاب تحت عنوان حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی مشخص شده است، بیش از پیش مستلزم توجه مردم و بخصوص مستولان و دستگاه های اجرایی به اولویت ها و ضرورت های لازم چهت نیل به هدف و چشم انداز تعیین شده می باشد. در حقیقت، رهبر معظم انقلاب راه را برای مجموعه دولت و ملت و سایر دستگاه های اجرایی و نظارتی نشان داده اند. فلذا، در این سال بایستی اهم برنامه های سیاسی و اقتصادی کشور از سوی دولت و نهادهای مربوطه در راستای تحقق عملی این عنوان و با محوریت آن شکل پیگیرند.

کاربردی میسر نخواهد بود مردم شایسته کشور چشم برای اقدامات ما برای تحقق منویات رهبر اندیشمند انقلاب هستند و این امر مسئولیت مارادر سال ۹۲ بیش از پیش مهمن و خطیر نموده است. امیدوارم در سال پیش رو با هماهنگی و همدلی و پیروی از منویات رهبر انقلاب بتوانیم قدمی در چهت خدمت به مردم عزیز ایران برداریم.



لزوم تدوین و نظارت بر اجرایی شدن اهداف
نامگذاری سالها

تحلیل و بررسی دلایل نامگذاری های سالهای اخیر توسط رهبر فرزانه انقلاب نشان دهنده دید عمیق و تحلیلگرانه ایشان به اولویت های مسائل کشور است. نامگذاری های سالهای قبل همگی بر اساس شرایط کشور و ترسیمی از آینده و البته نیازهای آن سال کشور انجام گرفته است. این نامگذاری ها که بیشتر به مانند نقشه راه یکساله ترسیم و اعلام میگردد نیاز به دقت فراوان در اهداف و برنامه ریزی صحیح چهت اجرا دارد. متأسفانه یکی از دلایل عدم تحقق کامل نامگذاری ها نبود برنامه ریزی اصولی و سیاستگذاری لازم چهت تحقق اهداف سال بوده است. به نظر میرسد ما نیازمند مرکزی هستیم که مبانی فکری و عملی شعائر سالیانه را تبیین نموده و ضمن مشخص نمودن سهم دستگاه های مختلف در پیشبرد اهداف نظارت کامل و جامعی نیز بر مسیری که در طول سال طی خواهد شد داشته باشد وجود چنین مرکزی اولاً مانع تفسیرهای سلیقه ای از نامگذاری ها خواهد بود و ثانیاً کمک خواهد کرد که ابعاد عملی اجرای سیاست های مورد نیاز تدوین و اجرا گردد. به نظر نگارنده چنین مرکزی میباشد از جامعیت و مقبولیت زیاد برخوردار بوده و ارتباط نزدیک و تنگاتگ با تفکرات مقام معظم رهبری داشته باشد. مجلس خبرگان رهبری و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام می توانند نهادهایی باشند که این وظیفه خطرناک را رهبری نموده و در پایان سال گزارشی از میزان تاثیر گذاری اقدامات انجام شده در رسیدن به اهداف را ارائه نمایند. امسال به رغم در پیش بودن انتخابات حساس ریاست جمهوری و اهمیت آن برای آینده کشور شاهدیم که رهبر انقلاب همچنان بر رویکرد توجه به مسائل اقتصادی غافل نبوده و بحث حماسه اقتصادی را بلافضله پس از حماسه سیاسی قرار داده و ما را بدان توجه داده اند. شرایطی که امروز بر اقتصاد کشور حاکم است نشانگر مقابله جنگی تمام عیار با دشمنان کشور است که در حوزه اقتصاد شکل گرفته و اهمیت آن به هیچ وجه کمتر از ۸ سال دفاع مقدس نیست. امروز تمام دستگاه های دولتی و خصوصی کشور می باشد توجه ویژه به راهکارهای مقابله با این توطئه داشته باشند. ایجاد حماسه اقتصادی بدون تلاش و کوشش و صد البته داشتن برنامه منسجم و



اقتصاد مقاومتی و در امتداد آن حماسه اقتصادی هشداری است برای فشارهای اقتصادی دشمن باید توجه داشت که عناوین انتخاب شده از سوی رهبر انقلاب در چند سال اخیر دارای بعد اقتصادی بوده که نشان از اهمیت این امر در انجام امور اجرایی کشور دارد. رابطه بین حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی انکار ناپذیر است و طبیعی است هنگامی که مردم با حضور پرشور خود در انتخابات و خلق یک حماسه سیاسی، فردی با تدبیر و عدالت خواه به عنوان رئیس جمهور انتخاب می کنند، او نیز مشکلات موجود را شناسایی و با برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، اقتصادی پویا را در اولویت قرار داده و با حرکت مستمر و برنامه ریزی شده و همراهی مردم در واقع یک حماسه اقتصادی را رقم می زند. جامعه، مردم و دولت همواره دارای پتانسیل هایی هستند که در ابتدای هر سال توسط نام گذاری های رهبر عظیم الشان چهت گرفته و با برنامه ریزی صحیح این پتانسیل ها به فرصت های متسابق تبدیل می گردند. اقتصاد مقاومتی و در امتداد آن حماسه اقتصادی هشداری است برای فشارهای اقتصادی دشمن و مقابله با تاثیرات تحریم ها که باید با پرداختن به منویات رهبری، همدلی مسئولین، مشارکت مردم و فرهنگ سازی با سرپلندی پشت سر گذشته شود. امید است در سال جدید اقتصاد ایران اسلامی به سمت و سوی افزایش صادرات غیرنفتی و مستقل از درآمدهای نفتی پیش رود.



نمایندگی هر سال، نقشه راه و مسیر حرکت مسئولان کشور و ملت ایران است



KRCCIMA ۵



هیچ استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی میسر نیست

نامگذاری سالهای اخیر نشان داده که هر یک از شعارها ریشه در ضرورتهای آن سال داشته و حلقه شعار امسال و سالهای گذشته نیز به هم مرتبط است. ما امروزه شاهدیم که دشمن تمام توان خود را برای فشار به کشور در بعد اقتصادی متوجه کرده و راه مقابله با این اقدام دشمن این است که ما نهایت استفاده از توان اقتصادی را داشته باشیم و با حماسه اقتصادی به معنای دگرگونی و یک حرکت بزرگ و شجاعانه در بخش اقتصاد حماسه بیافرینیم و خود را از واپسگی نجات دهیم، و با ترویج تولید ملی به این هدف برسیم که آن هم یک برنامه بلند مدت است و در یک سال به انجام نمیرسد همانطوریکه در نیمه دوم سال ۹۱ سیاستهای تولید ملی تصویب شد در واقع این کار در سال ۹۲ به صورت حماسه اقتصادی و تغییر دادن وضعیت تولید که زیر بنای اقتصاد مملکت است باید دنبال گردد و از طرفی به تعامل غیر قابل انکار و لازم و ملزم بودن سیاست و اقتصاد و اینکه هیچ استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی میسر نیست بیندیشیم و در حماسه بزرگ سیاسی سال ۹۲ که انتخابات ریاست جمهوری است و مقدرات کشور را برای چهار سال آینده برنامه ریزی می کند حضور فعلی داشته باشیم.



رسیدن به اهداف پیش بینی شده در برنامه پنجم توسعه نیازمند جهشی بزرگ در اقتصاد کشور است که رهبر انقلاب از آن به عنوان حماسه اقتصادی یاد کرده است

با گذشت ۳۴ سال از عمر انقلاب اسلامی میتوان گفت که در مقطع کوتني، کشور در شرایط ویژه و حساسی قرار دارد زیرا از یک طرف در دهه چهارم انقلاب و دهه پیشتر و عزت قرار داریم و باید به چشم اندازهای ترسیم شده اقتصادی برسیم و از طرف دیگر برای رسیدن به این اهداف، با موانع گوناگون به ویژه تحریم های جهانی و فشارهای

- اهمیت - پیهود محیط کسب و کار و روان سازی امور واحدهای تولیدی
- ضرورت تأمین مالی واحدهای تولیدی
- تلاش جهت پیهود کیفیت محصولات تولیدی داخل و کاهش قیمت تمام شده آنها از آنجا که در ماههای اینده، دولت منتخب مردم سکان امور اجرایی کشور را در دست خواهد گرفت، ضرورت دارد با تعامل سازنده و بهره مندی از اندیشه های گران قدر نخبگان و فعالان حوزه های سیاسی و اقتصادی، حماسه سازی نماید.
- دولت آینده نقش اساسی در حل مشکلات خواهد داشت و می تواند با اصلاح برخی برنامه ها و سیاست های نامناسب در عرصه ای اقتصاد و در چارچوب یک برنامه پایدار، مشارکت سیاسی گسترده احزاب و گروه های درون نظام را تحقق نماید و این موضوع از این جنبه اهمیت دارد که با افزایش تحریم و فشارهای خارجی ضرورت انسجام ملی در حوزه های سیاسی و اقتصادی بیش از پیش احساس می گردد.



در سال جدید همگان باید تلاش مجданه ای در حوزه اقتصاد و با انجیزه تحقق یافتن اهداف اقتصاد مقاومتی داشته باشند با توجه به انتخابات های پیش رو در سالجاری و مشکلات اقتصادی موجود، رهبر انقلاب مهتمترین عنوان را برای سال ۹۲ انتخاب نموده اند. شعار حماسه سیاسی، به مسئولین برگزاری انتخابات هشدار می دهد که باید تمام همت خود را برای ترغیب و تشویق مردم برای حضور گسترده در انتخابات و مشارکت حداثتی به کار گیرند. باید طوری برنامه ریزی گردد که زمینه حضور همه ای سلابق در انتخابات فراهم و مردم ایران با حضور خود یک حماسه سیاسی رقم زند. کشور شرایط اقتصادی سختی را پشت سر گذاشته است و تحریم های انجام گرفته توسط دشمن با هدف فلجه کردن نظام بوده است، از طرفی جمهوری اسلامی سال هاست که با دشمنان در جنگ و اقتصادی قرار دارد و این جنگ و تقابل دشمن با نظام و انقلاب هنوز هم ادامه دارد. در سال جدید همگان باید تلاش مجданه ای در حوزه اقتصاد و با انجیزه تحقق یافتن اهداف اقتصاد مقاومتی داشته باشند و این تحقق شعار حماسه اقتصادی است.

را از ایران اسلامی کوتاه می کند. استان کرمانشاه استانی مرز نشین و حساس است و مردم این دیار قطعاً همانگونه که در هشت سال دفاع مقدس ایستادگی و در مقابل دشمن قد علم کردند، برای انتخاب فردی صالح و لائق در پای کرمانشاه رای حضور پیدا خواهند کرد. این نمودی از حماسه ای سیاسی واقعی برای کرمانشاهان خواهد بود. بخش دوم نام گذاری رهبر انقلاب که به حماسه اقتصادی مزین شده، مواجه ای منطقی با تحریم ها و پرداختن به مشکلات معیشتی مردم و ارتقای سطح زندگی آنان را می طلبد.

همانطور که میدانیم در ماه های پایانی سال گذشته سیاست های کلی در خصوص تولید کار و سرمایه ایرانی از سوی مقام معظم رهبری اعلام شد که باید به این سیاست ها توجه کافی داشت چراکه شکوفایی اقتصادی ایران مرهون توجه به مساله تولید ملی است. افزایش حجم صادرات و توجه خاص به بازارچه های مرزی در کنار توصیه های رهبر و مبانی اقتصاد اسلامی می تواند برنامه های اقتصادی را به مرحله ای اجرا گذاشته و شعار حماسه اقتصادی تحقق باید.



با افزایش تحریم و فشارهای خارجی ضرورت انسجام ملی در حوزه های سیاسی و اقتصادی بیش از پیش احساس می گردد

باید با بیانی ساده گفت که متأسفانه به دلیل عدم وجود یک نگاه مشترک سیاسی در بین نخبگان و احزاب کشور در بلند مدت باعث آن شده که یک اقتصاد پایدار، به دلیل از هم گسیختگی سیاسی شکل نگیرد. امروزه در اکثر اتحادیه ها و گروه های بین المللی شکل گرفته در جهان، برآسان یک نگاه مشترک سیاسی در جهت اثر گذاری برمبنای نفوذ و قدرت اقتصادی و اعمال نظر در چهت کسب منافع برای این کانون ها اقدام می گردد که از این رو می توان به اهمیت ارتباط حوزه سیاست و اقتصاد بی برد.

سال ۱۳۹۲ از سوی رهبر معظم انقلاب به نام سال "حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی" نامگذاری گردیده است. علت این نامگذاری ارتباط منطقی با شرایط کشور دارد.

تکالیف اقتصادی که برای چندین بار از سوی رهبر معلم انتقام از این کشور گرفته حکایت از حساست مسئولان و مردم قرار دارد. وضعیت موجود می باشد.



اقتصادی دشمنان روبه رو هستیم. رسیدن به اهداف پیش بینی شده در برنامه پنجم توسعه نیازمند چهشی بزرگ در اقتصاد کشور است که رهبر انقلاب از آن به عنوان حمامه اقتصادی یاد کرده است. حمامه اقتصادی در امتداد شعار سال گذشته "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" است. یعنی افزایش تولید ملی و حمایت از سرمایه ایرانی باید آن قدر چشم گیر شود که تبدیل به حمامه گردد و این خود مستلزم داشتن اراده ای قوی است. فعال کردن اقتصاد و افزایش حجم صادرات غیرنفتی و عدم واپسگی به درآمدهای نفتی و تبدیل تهدیدهای اقتصادی به فرصت نیازمند راهکارهای ویژه و نقشه راه در حوزه اقتصاد است. سال ۹۲ سالی سرنوشت ساز در ایران است چراکه دو انتخابات مهم ریاست جمهوری و شورای شهر و روستا را در پیش داریم. مقام معظم رهبری تلاش دارند که مردم حضوری بزرگ و فعال در صحنه ای سیاسی و اقتصادی کشور داشته باشند و نشاط سیاسی و اقتصادی را در ایران تقویت نمایند و معتقدند حضور فعال مردم در صحنه موجب ایجاد حمامه شده که این مسئله قطعاً راهکشی بسیاری از مشکلات جامعه خواهد بود.



چشم انداز آینده نظام و کشور در سال آینده از نگاه رهبر معظم انقلاب ایجاد افتخار آفرینی و انجام حرکت های عظیم و تاثیر گذار در حوزه های اقتصاد و سیاست همراه است.

«حمامه» رکن اصلی و کلید واژه اصلی پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۲ است. یکی از ابتکارات اثر بخش و ارزشمند مقام معظم رهبری، تعیین یک نام یا شعار برای هر سال و پیگیری آن شعار و ارائه جمع بندی از آن در پیام نوروزی و سخنرانی آغازین خود در ابتدای هر سال نو می باشد. نگاه اصلی رهبر معظم انقلاب در سال جدید ایجاد یک حرکت عظیم در دو حوزه «سیاست» و «اقتصاد» می باشد. حمامه همواره با شگفتی و خودت خارق العاده روبرو است. در واقع، چشم انداز آینده نظام و کشور در سال آینده از نگاه رهبر معظم انقلاب ایجاد افتخار آفرینی و انجام حرکت های عظیم و تاثیر گذار در حوزه های اقتصاد و سیاست همراه است. در زمینه اقتصادی خوشبختانه در نیمه دوم سال ۹۱ سیاست های تولید ملی تصویب شد و ابلاغ شد که بر اساس آن،

مجلس و دولت می توانند برنامه ریزی کنند و حرکت خوبی را آغاز کنند و ان شا... با همت بلند و با پشتکار پیش بروند. در زمینه ای امور سیاسی، کار بزرگ سال ۹۲ انتخابات ریاست جمهوری است که در واقع مقدرات اجرائی و سیاسی، و به یک معنای مقتدرات عمومی کشور را برای چهار سال آینده برنامه ریزی می کند. امید است مردم با حضور خود در این میدان بتوانند آیندهای نیکی را برای کشور و برای خود رقم بزنند. سال ۱۳۹۲ سال مهمی در تاریخ ایران خواهد بود زیرا در ساخت ترین شرایطی که دشمن تصور کرده است، ملت ایران پر شور تر و آماده تر از همیشه با روحیه جهادی، پا در عرصه سیاست و اقتصاد خواهد نهاد و با روحیه ای مضاعف و امیدوارانه به سوی اهداف والای نظام مقدس جمهوری اسلامی حرکت خواهد کرد.



باید زیرساخت های اقتصادی توسط مسئولین و اهداف چشم انداز ۲۰ ساله فراهم شود تا تبلور حمامه اقتصادی در شکست تحریم ها و آغاز یک جهش اقتصادی با رشد بالا نمایان گردد.

الزمات، اولویت های اساسی و شرایط موجود مواردی است که هر ساله رهبر معظم انقلاب بر اساس آن نام برای سال جدید انتخاب می نماید. نام گذاری حمامه سیاسی و حمامه اقتصادی برای سال ۹۲ نتیجه تدبیر، درایت و دوراندیشی حضرت آیت الله خامنه ای است. ایشان در ابتدای هر سال سیاست های کلی نظام را مشخص می کنند که باید مورد توجه جدی مسئولین و مردم قرار گیرد. حمامه سیاسی حضور مردم در انتخابات با اخلاق اسلامی و مشارکت فعال توده های سیاسی در عرصه کشور است که اولویت قرار دارد چرا که آینده کشور به انتخاب مردم بستگی دارد. تحریم های اقتصادی دشمنان علیه ما به اوج رسیده و ایستادگی ملت فیز سبب خوداتکایی و ترقی در عرصه های سیاسی و اقتصادی شده است و طبیعتاً با شکست این تحریم ها وارد یک سرایی کاهش فشارهای غرب خواهیم شد که این مسئله حمامه ای اقتصادی را می طلبد. باید زیرساخت های اقتصادی توسعه مسئولین و اهداف چشم انداز ایجاد افتخار ۲۰ ساله فراهم شود تا تبلور حمامه اقتصادی در شکست تحریم ها و آغاز یک جهش اقتصادی با رشد بالا نمایان گردد.



سیاست و اقتصاد به عنوان دو عنصر تأثیرگذار بر اداره ای جامعه و معيشت است که بستری ضروری برای ارتقاء معنوی انسان فراهم می سازد.

نامگذاری سال در پیام های نوروزی از سوی مقام معظم رهبری تدبیری بی بدل در ارجاع تفکرات به ارزش ها و اهداف خاصی است که می تواند راهبردی و راهگشای تمامی آحاد جامعه بخصوص مسئولین بلند پایه در حوزه های تصمیم گیری و تصمیم سازی باشد. این رویکرد عالمانه از سال ۱۳۷۸ که با نام مبارک امام خمینی (ره) آغاز شد تا به امروز که سال ۱۳۹۲ بنام سال "حمامه سیاسی و حمامه اقتصادی" نامگذاری شده تکلیف جدید و ویژه ای را در ابعاد سازنده نشان می دهد که با لحاظ کلیه موارد تأثیرگذار و ملاحظات دوراندیشانه ای ولی امر مسلمین همراه بوده است. براستی سیاست و اقتصاد به عنوان دو عنصر تأثیرگذار بر اداره ای جامعه و معيشت است که بستری ضروری برای ارتقاء معنوی انسان فراهم می سازد. این امر در صورتی محقق خواهد شد که در سایه ای حکومت اسلامی به این رویکرد کلی و راهبردی اهتمام جدی و توجه خاصی مبذول شود. نوسانات قیمت ارز، طلا و نفت با توجه به اعمال نفوذ نظام سلطه و هدایت این تغییرات در راستای اهداف مغرضانه تصویری تونین از اهمیت صادرات غیرنفتی و اثرات شکوفا شدن این امر رونق و اشتغال کامل عوامل تولید اعم از نیروی انسانی، سرمایه و ... را نشان می دهد. سامانه زنجیره های تولید از سلحشور ماد اولیه تا محصول نهایی قابل عرضه در بازار، همراه با فراهم سازی ایجاد پهنه وری دست اندکاران فرایند تولید از ارزش افزوده ای مبتنی در کار و حذف عوامل غیرضروری و دلالی در کنار پویا تمودن مزیت های نسبی موجود با تأکید بر احراز شرایط کیفی متناسب با صادرات و استانداردهای بین المللی لازم است. اگر مجموع اقدامات با انگیزشی حمامه ای باشد، رونق اقتصادی مناسبي شجاعانه باشد، رونق اقتصادی مناسبي را در بخش تولید، توزیع و تبعاً بخش تجارت خارجی ایجاد خواهد کرد. هرچند لازمه ای اصلی و آغازین همه ای این مباحث در بخش اولیه ای تأمکناری مبارک یعنی حمامه سیاسی است که ترجمان زیبای این بحث حضور فراگیر و همه جانبه مردم در عرصه های سیاسی و اجتماعی بخصوص انتخابات در جهت اعتلای نظام مقدس جمهوری اسلامی و نفی نظام سلطه جهانی می باشد.



KRCCIMA ۷

Kermanshah Chamber Of Commerce, Industries, Mines & Agriculture



KRCCIMA

بیان
کارهای
تولیدی
از
جهان



اصل قضیه؟

بدون توجیح، به اهمیت احداث واحدهای تولیدی و ساخت این ابزار مهم و حیاتی اهمیت کافی داده نمی شود؟ آیا این اتفاقی است؟

قضیه چیست که در سال های موسوم به حمایت از کار و سرمایه ایرانی و حمایت از تولید، صنعت و تولید کشور با مشکلات بزرگی دست به گریبان می شود و صنایع بزرگ و کوچک با پحران های ریز و درشت مواجه می شوند. عنوان مثال بارز صنایع خودروسازی کشور به این وضعیت دچار شده و پس از قریب نیم قرن حمایت مستقیم و غیرمستقیم به شرایطی قرار گرفته که خودروساز، قطعه ساز، مصرف کننده و دولت همه از شرایط آن ناراضی اند.

چرا شرکت های معتبر و با سابقه‌ی ده ها ساله و صاحب برندها در تولید لوازم خانگی، رشد و فعالیت چشم گیری ندارند و بطور کلی بازار را به رقبای خارجی علیرغم اعمال تمامی محدودیت های تعرفه ای و اگذار نموده اند و بازارها و منازل ما پر شده از انواع محصولات لوازم خانگی وارداتی با مارک های معروف و غیرمعروف.

آیا اشکال در نیروی متخصص است، در قوانین و مقررات تجارت است، در حمایت هاست، در بخش خصوصی است. گیر کار کجاست؟ چگونه واحدهای تولیدی خصوصی و دولت ها این جم بزرگ و سنتگین از بدھی های عموق و غیرمعوق را به بانک های کشور دارند و توان باز پرداخت آن را ندارند. آیا میزان بهره و سود بانکی برای تولید در کشور مامتناسب با سود سرمایه گذاری تعیین شده و کارشناسی شده است. آیا نمیشود برای یکبار و به لحاظ حمایت از تولید، اصل و سود متعارف تسهیلات بانکی اعطاء شده به واحدهای تولیدی فعال، بالقوه و بالفعل را از آنان وصول و کل جرایم تاخیر و سود جرایم راهنمایی مثل جرایم راهنمایی و رانندگی بخشدید. بدیهی است واحدهای تولیدی واقعی مدنظر است نه واحدهای کاذب و غیر واقعی و فاقد هویت. دلایل واقعی افزایش عددی نرخ تورم در کشور ما چیست؟ آیا جایگاه ما در آمار تورم کشورهای جهان، مسئولین اقتصاد، اساتید علم اقتصاد و کارشناسان مسئول ما را در خلوت به بہت و حیرت فرو نبرده و آنها را به تفکر و چاره اندیشی وادر نماید.

قضیه چیست که مدیران مادر سطوح عالی نظامی، امنیتی و علمی کارآمد، پرتوان و موفق هستند ولی در عرصه های اقتصادی و تولیدی با این همه مشکلات مواجه هستیم. چرا در این سالها، رشد اقتصادی کشور به حداقل خود کاهش می یابد، بنگاه های اقتصادی مشکلات پیشتری را متحمل می شوند، قوانین و مقررات محدود کننده تر می شود، صادرات کاهش می یابد و قیمت هارکود می شکند و قس علیهذا.

نویسنده در صدد پاسخ به این قضایا و بیان علت و معلول های آن نیست زیرا در این ظرفیت نیست و صرفا مواردی را مطرح می نماید که اذهان خوانندگان را به برخی علت های ممکن معطوف نماید به این امید که شاید پاسخی دریافت نماید که براسنی اصل قضیه چیست؟

- آیا می تواند چنگ های پیدا و نهان قدرت های جهانی علیه کشور ما باشد.
- آیا می تواند تحریم های چند بعدی بین المللی باشد که از بدو انقلاب اسلامی دشمنان انقلاب بر ما تحمیل کردند.

- آیا اشکال داخلی است یا خارجی.

- آیا اشکال در مدیریت و برنامه ریزی کلان کشور است.

- آیا اشکال در عدم ثبات مدیریت، تغییرات مکرر مدیران ارشد و متوسط، عدم توجه کافی به تخصص دریه کار گیری مدیران و یا عدم آشنایی کافی آنها به مسائل و وظایف مرتبط است.

- آیا بدنه‌ی کارشناسی کشور فاقد مهارت، تخصص و تجربه است.
- آیا اقتصاد، تولید، تجارت و اشتغال و رونق همه آنها در الوبت امور کشور نیست.
- آیا می توان علت را در قوانین و مقررات دانست و یا اشکال را در مجریان قانون جستجو کرد.

- آیا اولویت کشور مسائل سایر بخش هاست.

- آیا همه این موارد است، آیا هیچکدام علت اصلی نیست.
واقعاً اصل قضیه چیست؟

در مقاطع تحصیلی، در مباحث هندسه و ریاضی کلمه ای بنام قضیه بعنوان پیشوند برخی اسمی یا موضوعات بکار می رود که شاید بعلت ناماآنوس بودن آن هراسی در دلهای کوچک دانش آموزان ایجاد می نماید. از جمله قضیه‌ی فیثاغورث، قضیه‌ی تالس، قضیه ارشمیدوس و ترس از عدم درک مطلب، تجدیدی و عاقبت کار همواره موجب نگرانی این امیدهای آینده می گردد.

عنوان این نوشتار هم از خاطرات آن سالهای است. به هر حال اگر آن قضایا به تدبیر

علم و کوشش شاگردان به هر نحو ممکن حل گشت و آسان لیکن، قضایای این ایام به مانند کلافی پیچیده و سردرگم باقی است و به ظاهر حل نشدنی. گرچه طرح این مسائل و پاسخ به یک آنها در نگاه اول ساده است و آسان ولی بدلا لیل نامعلوم و مستتر و مرمز بدون پاسخ و راه حل مانده است.

این یادداشت کوتاه ابهاماتی است که مدتی ذهن نویسنده از حل و فصل آن ناتوان و علیرغم تلاش برای آن پاسخ نیافته است.

علت چیست که کشور پنهانور ما در تولید محصولات کشاورزی دچار مشکلات

بسیاری است و علیرغم برنامه های متعدد، صرف وقت و بودجه، وجود نیروی

انسانی متخصص و کثیر و جوان و مجرد، خاک غنی، سدهای فراوان و آب و

هوای مساعد راه به جایی نبرده ایم و روشن ترین علت وجود این ناکامی ها،

واردات حجیم مهمترین اقلام این بخش از جمله گندم، برنج، جو، دانه های روغنی،

شکر، ذرت، گوشت، حبوبات، سویا و غیره می باشد و میلیاردها دلار سرمایه کشور

صرف واردات آنها می شود. و در ده قلم دیگر نیز دغدغه‌ی تولید، تنظیم بازار،

ذخیره سازی، احتکار، افزایش قیمت، تعزیرات و جریمه و ... را داریم.

واقعیت تلخی است که این اقلام در سالهای اخیر در رأس واردات کشور قرار

گرفته و منابع کشور صرف خرید، حمل و نقل و توزیع آن می گردد و به جهت

صرفی بودن آنها دور از حقیقت نیست که آن را تلاف منابع کشور که متعلق

به نسل های آینده کشور نیز می باشد بدانیم.

قضیه چیست که تولیدات کشاورزی ما خوارک دام می شود و در همان زمان

میلیون ها تن غلات با هزینه‌ی گزاف و از مناطق دور دست جهان با هزار

گرفتاری خریداری و وارد کشور می کنیم. چگونه نمی شود یک برنامه دو یاسه

ساله برای تولید و صرف حداقل برخی از این محصولات تدوین و در هر

شرایطی اجرا کنیم. چطور نمی توان برای مثلا تولید مرغ یک برنامه دو ساله

تنظیم نمود، میزان تولید و صرف آنرالاحظ کرد، هزینه های آنرا برآورد نمود،

نهاده های لازم را بموقع تهیه کرد که در نتیجه این همه نوسان قیمت، کمبود و

گرفتاری برای این محصول پر مصرف ایجاد نمود و موجب ضرر و زیان تولید

کننده و نارضایتی مصرف کننده نشد. در شرایطی که نیروی متخصص،

تولید کننده‌گان بیشمار، صنایع مربوط، نهاده های دامی (هر چند وارداتی)

مهیا است، گیر کار کجاست؟ چرا قیمت محصولات کشاورزی ما در مزرعه و در

شهر اینقدر متفاوت است، مگر فاصله شهر تا روستاچه میزان است و چگونه این

مسئله مهم به نفع تولید کننده و صرف کننده حل و فصل نمی شود.

ماجرای چیست که در کشور پنهانور ما با مزیت کشاورزی وجود میلیون ها هکتار

زمین قابل کشت و حاصلخیز به تعداد انگشتان یک دست هم کارخانه‌ی تولید

تراکتور که ابزاری است حیاتی برای تولید محصول، نداریم. و تنها واحد تولیدی

معتبر تراکتورسازی ایران مربوطه به ده های گذشته است. تراکتور یک وسیله‌ی

کلیدی و حیاتی برای استفاده در بخش کشاورزی است. عدم وجود و حضور آن

به تعداد کافی در روستاچه تولید کاهش هزینه ها و ائتلاف سرمایه

های ملی است و وجود آن سبب افزایش تولید، کاهش قیمت، بهبود معیشت

زحمتکش ترین قشر جامعه و قطع وابستگی است.

به چه علت علیرغم احداث هزاران واحد تولیدی بزرگ و کوچک، دارای توجیح و



مقالات

بخش کشاورزی و توسعه اقتصاد ملی
قاچاق، اشتغال دروغین در مرزها

تأثیرات برگزاری نمایشگاه ها در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و جهانگردی

دیدگاه مدیریت در نگهداری و تعمیرات فراگیر

نقش بخش کشاورزی در حماسه اقتصادی کشور

اهمیت زیست محیطی جنگل های بلوط زاگرس و لزوم توجه جدی به حفاظت از آنها

شناسایی خوش های صادراتگرای استان کرمانشاه

با رویکرد آشنایی با خوش های صادراتگرای نخود و دام زنده استان

شاخص های توسعه ای در حمل و نقل دریایی جهان

بخش کشاورزی و توسعه اقتصاد ملی

• حیدر کدیور

عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمانشاه



نقش کشاورزی به دلیل کمک آن به پیشبرد جریان رشد و توسعه نمایان تر است.

بخش کشاورزی در جریان رشد و توسعه اقتصادی چند وظیفه مهم و اساسی بر عهده دارد.

تامین غذا و امنیت غذایی برای جمعیت رو به رشد منظور از امنیت غذایی، دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات برای زندگی سالم و فعال است. توسعه کشاورزی، افزایش تولیدات کشاورزی و دامی و شیلات و جنگلداری را به همراه خواهد داشت و افزایش تولید اقلام مذکور ضمن ایجاد اشتغال و کمک به رشد اقتصادی، به امنیت غذایی و بهبود تعزیه در جهان سوم کمک می کند.

تامین ارز خارجی برای وارد کردن کالاهای سرمایه ای از راه افزایش صادرات

صدور محصولات کشاورزی جهت تحصیل ارز خارجی گرچه در مقایسه با صدور مواد خام معدنی و زیرزمینی ممکن است اندکی سخت تر باشد اما با صرفه تر است زیرا اولاً محصولات کشاورزی جزو منابع تجدید شونده است و لذا یک منبع دائمی و تمام ناشدمنی برای تامین ارز به شمار می رود.

ثانیاً تولید و صدور محصولات کشاورزی جنبه اشتغال زایی پیشتری دارد و توسعه فعالیت‌های مربوط به تولید و صدور این محصولات باعث رشد و شکوفایی بیشتر در اقتصاد ملی می گردد. از سوی دیگر توسعه بخش کشاورزی بعلت ماهیت فعالیت‌ها در این بخش، اساساً نیاز کمتری به ارز خارجی دارد مضافاً اینکه بخش کشاورزی از راه تولید مواد غذایی مورد نیاز برای مصرف داخلی در حقیقت از دامنه نیاز به ارز خارجی برای واردات مواد غذایی می کاهد.

عرضه مواد خام مورد نیاز صنعت و کمک به توسعه فعالیتهای تولیدی وابسته

بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بخش غالب اقتصاد ملی است. این بخش عموماً ۴۵ الی ۹۰ درصد از کل تولید ملی و حدود ۶۰ الی ۹۵ درصد از کل اشتغال کشور را تشکیل می دهد.

لذا رشد و توسعه اقتصادی این کشورها ارتباط نزدیکی با توسعه کلی بخش کشاورزی دارد و به بیانی دیگر توسعه کشاورزی در چهارچوب توسعه ملی یک کشور مورد بحث قرار می گیرد و به عنوان یک بخش اقتصادی مهم، نقشی حیاتی در توسعه ملی ایفا می نماید.

متاسفانه بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته به منظور ایجاد رشد سریع اقتصادی، به بخش کشاورزی توجه لازم و کافی را ننموده و تا جایی که امکان دارد تصمیم به صنعتی شدن سریع دارند. ضرورت صنعتی شدن بخش‌های اساسی و پایه در این کشورها قابل توجیه و فهم است اما آن چیزی که کمتر مورد توجه قرار می گیرد آن است که صنعت پایه و اساسی نمی تواند بدون مبنا و پایه ای، ساخته و توسعه یابد. چنین پایه و مبنایی برای صنعت معمولاً با یک بخش کشاورزی به حد کافی و مناسب توسعه یافته امکان پذیر است.

گفتنی است در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد پولی با پیشرفت فنی و تکنیکی و بالا رفتن بهره وری بخش کشاورزی همراه بوده است. بدین ترتیب هم قسمتی از نیروی کار کشاورزی، آزاد و به بخش صنعتی شدن را فراهم آورده است. این تحول در مازاد کشاورزی، زمینه صنعتی شدن را فراهم آورده است. بدین منوال بخش اقتصاد مدرن بدون ارتباط با بخش اقتصاد سنتی وارد کشورها شده است و بدون اینکه ارتباط ارگانیکی با فعالیت آن بخش داشته باشد، به فعالیت خود ادامه می دهد.

در بخش سنتی که عمدهاً بخش کشاورزی است، تراکم جمعیت و دوری از جاده پیشرفت، باعث پایین آمدن بهره وری می شود و با سیر قهقهای کشاورزی، نیروی کار زیادی از زمین رانده شده و کارگران بخش کشاورزی به صورت بیکاران پنهان درمی آیند که هیچ گونه قدرت خرید ندارند.

رقابت محصولات صنعتی وارداتی به تدریج پیشه وران محلی را از میدان به در و از شکل گیری صنعت محلی جلوگیری می کند، آزادشن کارگران بخش کشاورزی بدون آنکه دارای قدرت خرید باشند، خیل عظیمی از نیروی کار ارزان را فراهم می آورد و

این خود زمینه لازم را برای ورود سرمایه‌های خارجی به این کشورها و فعالیت آنها در بخش‌هایی که نیازمند کار ارزان است ایجاد می کند که عمدۀ این فعالیتها در بخش‌های صادراتی مواد اولیه موجود می باشد.

بنابراین منطقی به نظر می رسد در چنین ممالکی برنامه‌های توسعه به نحوی تهیی و تدوین گردد که توسعه بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها در اولویت قرار گرفته و مورد توجه و تأکید پیشتری باشد.

قرار گرفتن بخش کشاورزی در محوریت برنامه‌های پنج ساله توسعه کشورمان خصوصاً در برنامه‌های اول و دوم از این دیدگاه قابل توجیه است به طور کلی از دیدگاه توسعه اقتصادی، شده اند و هم اینکه به وجود آمدن مازاد کشاورزی، زمینه صنعتی شدن را فراهم آورده است.



۱۰ KRCCIMA

منابع طبیعی) میراث نسل آینده، حداقل برابر نسل امروز منظور گردد. توجه به این نکته ضروری است که مدرنیزه کردن کشاورزی و یا افزایش رشد محصولات کشاورزی با توسعه کشاورزی فرق میکند. در بسیاری از مناطق جهان، کشاورزی مدرنیزه شده و یا افزایشی در نزد رشد تولید محصولات کشاورزی دیده می شود ولی توسعه کشاورزی به معنی بهبود کمی و کیفی کشاورزی و بهبود وضع زندگی اکثریت کشاورزان و منجمله زارعین فقیر و خرد مالکین روی نداده است. بر این اساس کشاورزی جهان سوم را نمی توان بوسیله همان روشها و انجام همان سیاستهای توسعه کشاورزی قرن هیجدهم و نوزدهم و اوایل قرن بیستم مغرب زمین توسعه داد. چرا که اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشورها با آنچه در قرون مزبور در مغرب زمین وجود داشت تفاوت بسیار دارد. بعلاوه شرایط جهانی و مبادلات جهانی امروزی با دو قرن پیش تفاوت بسیاری دارد.

در هر حال، توسعه کشاورزی حکایت از ایجاد تغییر در بخش کشاورزی می نماید. ایجاد تغییر در بخش کشاورزی مستلزم بوجود آوردن شرایطی مناسب برای وقوع تغییر است تا در نتیجه آن فرصت های مناسب در اختیار کشاورزان قرار گیرد. ایجاد تدبیلاتی در ساختهای اقتصادی و اجتماعی جامعه، پی افکنند زیر بناهای فیزیکی مناسب، بوجود آوردن و تاسیس زیر بناهای اجتماعی لازم برای تقویت کشاورزی و تعیین قیمت های مناسب جهت محصولات کشاورزی از جمله این شرایط است.

ایجاد تغییر در بخش کشاورزی مستلزم بوجود آوردن شرایطی مناسب برای وقوع تغییر است تا در نتیجه آن فرصت های مناسب در اختیار کشاورزان قرار گیرد. ایجاد تدبیلاتی در ساختهای اقتصادی و اجتماعی جامعه، پی افکنند زیر بناهای فیزیکی مناسب، بوجود آوردن و تاسیس زیر بناهای اجتماعی لازم برای تقویت کشاورزی و تعیین قیمت های مناسب جهت محصولات کشاورزی از جمله این شرایط است.

بخش کشاورزی از یک سوبخی از نهاده های مورد استفاده خود مانند ماشین های کشاورزی، کودهای شیمیایی و سوم دفع آفات را از بخش صنعت تأمین می کند و بدین ترتیب برای برخی از تولیدات صنعتی تقاضا ایجاد می نماید و از سوی دیگر بسیاری از مواد خام و مواد واسطه ای مورد نیاز رشته های مختلف صنایع را تأمین می کند. براین اساس، توسعه اصولی بخش کشاورزی از طریق ارتباط های مذکور، به تکمیل زنجیره های تولید و رونق فعالیتهای تولیدی مرتبط با کشاورزی در اقتصاد ملی کمک شایانی خواهد کرد.

حفظ و بهبود محیط زیست مناسب برای زندگی فعالیتهای مختلف بخش کشاورزی می تواند بر روی محیط زیست آثار مثبت بر جای گذارد به طوریکه اگر از مصرف بی رویه کودها و سوم شیمیایی اجتناب گردد، فعالیتهای زراعی، جنگلداری و مرتع داری، می توانند نقش بسیار موثری در بهبود وضع محیط زیست و کاهش الودگی های ایجاد شده در آن ایفا نمایند.

بی تردید توسعه بخش کشاورزی با تمامی ویژگی ها و پیچیدگی ها مترتب به آن فرآیندی نیست که در کوتاه مدت و بدون تدوین و اجرای برنامه های اصولی و صحیح محقق شود. البته این مهم در مورد توسعه سایر بخش های اقتصادی نیز صادق است.

مضافاً اینکه هدف از توسعه تنها تامین رفاه نسل حاضر نبوده و بایستی رفاه نسلهای آتی را نیز درنظر گرفت. به همین دلیل الگوی توسعه پایدار مطرح می شود. در الگوی توسعه پایدار سعی برآن است که مقدار و کیفیت ثروت (شامل مصنوعات پسر، ذخایر و



قاجاق

اشتغال دروغین در مرزها

عبدالصمد رحمانی
دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان



خانواده خود به جان می خرند و چندین برابر به خریداران نیروی کارشان سود و منفعت می رسانند، قائل نیستند. بخشی از کارگران مرزی جوانانی هستند که به دلیل فقر و نداری و نبودن امکانات ابتدایی زندگی قادر به ادامه تحصیل نبوده اند، برخی دیگر دانشجویانی هستند که در ایام تعطیلات جهت تامین هزینه های دانشجویی در مرز کار می کنند و گاهی کودکان ۱۲ ساله و نوجوانانی در بین آنها یافت می شود که درس و تحصیل را ها کرده و به اجبار قدم در این مسیر بی آینده نهاده اند و گاهی هم زنان میانسالی در میان آنان یافت می شوند که جهت تامین نیازهای اولیه زندگی مجبور به انجام کار هستند.

دلایل اشتغال افراد به کارگری مرزی

پدیده قاجاق کالا که سالانه زیان های هنگفتی را بر اقتصاد ملی وارد می سازد و موجب بروز ناکارآمدی های ساختاری در اقتصاد ملی می شود، متأثر از مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که شناخت دقیق هر یک و برنامه ریزی برای غلبه بر آنها اهمیت بسیاری دارد. عواملی مانند مطلوبیت نسبی کالاهای خارجی، وجود تعرفه های بالا در کشور، تفاوت قیمت و کیفیت کالای داخلی و خارجی، قوانین بازرگانی، یارانه ها و قاجاق صادراتی، پایین بودن ریسک قاجاق و... از عوامل اصلی قاجاق به شمار می روند. در مناطق غرب کشور چند عامل اساسی دیگر وجود دارند که منجر به تشدید قاجاق می شوند و به عبارتی ساختار اصلی پدیده قاجاق را در مناطق غربی تشکیل می دهند. این عوامل به صورتی دست به دست هم می دهند که افراد (کارگران مرزی) از روی ناچاری به مسیر قاجاق وارد شوند و به نحوی تسهیل کننده قاجاق باشند.

عمده ترین دلایلی که منجر شده است افراد به کارگری مرزی روی بیاورند، عبارتند از:

۱. فقر: فقر به معنای ناتوانی در تامین نیازهای اساسی زندگی از قبیل خوراک، پوشاس، مسکن، معیشت خانواده و... است. مفهوم نیازهای اساسی بر حسب زمان و مکان متفاوت بوده و از حداقل نیازها برای زنده ماندن تا متوسط سطح زندگی را دربرمی گیرد. ابعاد فقر در مناطق غرب کشور بسیار گسترده بوده و تنها به بزرگسالان و مردان محدود نمی شود، بلکه زنان و نوجوانان و در موارد بسیاری، دانش آموزان و دانشجویان را نیز به سوی کارگری مرزی سوق داده تا بتوانند در تامین معیشت خانواده یا حداقل تامین برخی مایحتاج خود سهیم باشند.

در سال های اخیر شغل جدیدی به نام کارگر مرزی به فهرست مشاغل سخت و زیان آور (البته نه از دید سازمان تامین اجتماعی)، بی آینده و خطرناک در مناطق غربی کشور افزوده شده که تنها می تواند محروم ترین اقوام را به سوی خود جلب کند.

کارگر مرزی به چه کسی اطلاق می شود؟ چرا و به چه دلایلی مرزداران غرب کشور به قاجاق و کارگری مرزی روی می آورند؟ مهم ترین راهکارهای مبارزه با قاجاق در مناطق فوق و کاهش این پدیده در کشور چه مواردی است؟

قاجاق و کارگری مرزی

قاجاق به معنای وارد کردن یا خارج کردن بدون مجوز کالا از کشور است که بدون انجام تشریفات گمرکی صورت می گیرد. لازمه وجود قاجاق، وجود افرادی است که کالاهای قاجاق را به نحوی از یک کشور به کشور دیگر منتقل کنند که به این افراد معمولاً قاجاقچی گفته می شود. جایه جایی کالای قاجاق با وسائل مختلف مثل کشتی، هواپیما، کامیون، کانتینر یا با پای پیاده و بر دوش مردم صورت می گیرد. در حالی که مرزهای شمال غرب یکی از مراکز بسیار کوچک قاجاق در کشور محسوب می شوند و با توجه به کوهستانی و صعب العبور بودن این مناطق، بخشی از حمل و جایه جایی کالا که توسط ماشین قابل انجام نیست، به عهده افرادی است که به آنها کارگر مرزی گفته می شود. به صورت کلی کارگر مرزی در مناطق غربی ایران به کسی گفته می شود که جهت امداد معاش و رهایی از بیکاری در نقطه صفر مرزی باستن بار بر پشت خود اقدام به انتقال کالا و عبور دادن آن از مرز و پاسگاه های مرزی می کند. با کمال تاسف، به این افراد مستضعف در جامعه «کولبر» و از دید مسوولان کشوری و لشکری «قاجاقچی» گفته می شود که هر دو واژه، نشان دهنده اجحاف و بی مهربی نسبت به این افراد زحمتکش است.

کارگران مرزی فقط وسیله ای برای انتقال کالا هستند که از روی اجبار و نبود فرصت های شغلی مناسب به این شغل کاذب روی می آورند و به همین دلیل اطلاق واژه هایی همچون کولبر و قاجاقچی برای این افراد مناسب نیست. آنها علاوه بر تقبل مسوولیت باری که بر دوش می کشند باید کیلومترها راه را تا رسیدن به مقصد بیمایند و با خطرات متعددی از قبیل برخورد نیروهای انتظامی، مین های برجای مانده از دوران جنگ، وضعیت سخت آب و هوایی منطقه و...

عواملی مانند مطلوبیت نسبی کالاهای خارجی، وجود تعرفه های بالا در کشور، تفاوت قیمت و کیفیت کالای داخلی و خارجی، قوانین بازرگانی، قاجاق صادراتی، پایین بودن ریسک قاجاق و... از عوامل اصلی قاجاق به شمار ارزشی برای جان این کارگران که خطر مرگ را برای تامین لقمه نانی برای می روند.



به طور یقین این نوع از مبارزه با قاچاق، راهگشای این مشکل در این مناطق نمی باشد زیرا این افراد برای زیستن در حال جنگیدن با انواع مشکلات و سختی ها هستند و سهم بسیار ناچیزی از سود اصلی قاچاق نصیب این افراد می شود، در حالی که قاچاقچیان اصلی از هرگونه خطری در امان هستند.

مهم ترین راهکارهایی که قطعاً موثر و مفید می باشند و منجر به کاهش قاچاق و مشکل تر شدن ورود و خروج کالا برای قاچاقچیان اصلی می شود، زمینه سازی به منظور عدم اشتغال افراد به کارگری مرزی است. لذا در این راستا می توان به موارد زیر توجه کرد:

۱. ایجاد اشتغال و مبارزه با فقر و بیکاری
۲. حمایت بیشتر از اشار آسیب پذیر در مناطق فوق
۳. محرومیت زدایی از مناطق فوق با اجرای سیاست های مناسب
۴. انجام سرمایه گذاری های کلان و تسهیل قوانین سرمایه گذاری بخش خصوصی جهت جذب سرمایه گذاری در مناطق فوق
۵. هدایت مبادرات به سوی کانال های رسمی از طریق توسعه بازارچه های مرزی و ایجاد مناطق آزاد تجاری
۶. هدایت سرمایه گذاری بخش خصوصی به مناطق مرزی با هدف ایجاد اشتغال
۷. آموزش نیروی انسانی و تشویق فرهنگ کار

سخن آخر

از میان طیف گسترده ای از عوامل اقتصادی موثر بر پدیده قاچاق کالا، وضعیت اقتصادی و معیشتی مناطق مرزی کشور نقش ویژه ای ایفا می کند. توسعه نیافتنگی در مناطق مرزی، بالا بودن نرخ بیکاری در استان های مرزی، فقر و محرومیت در این مناطق و کم توجهی به مقوله ایجاد اشتغال در این مناطق از جمله عواملی بوده که زمینه ساز بروز پدیده قاچاق و اشتغال افراد به کارگری مرزی در مناطق مرزی کشور شده است. ضروری است به جای یک نگاه انتظامی به پدیده قاچاق با یک برنامه ریزی منسجم زمینه ای فراهم شود که افراد به سوی این کار سخت و طاقت فرسا سوق داده نشوند. بهتر است که برنامه ریزان و متصدیان مبارزه با قاچاق، به جای تلاش برای حذف ظواهر قاچاق، به حذف ریشه های اصلی این پدیده که همان ساختار به شدت متمرکز اقتصادی و توزیع نعادلانه ثروت و امکانات در کشور است، همت گمارند؛ به گونه ای که قاچاق، فاقد هر نوع توجیه منطقی و اقتصادی حتی برای افراد سودجو و قانون گریز باشد.



۲. بیکاری: بیکاری را می توان از دلایل عمده قاچاق کالا در مرزهای شمال غرب کشور دانست. نبود زمینه های مساعد برای اشتغال، نه تنها در مناطق غربی، بلکه در شهرهای جنوبی، شرقی و حتی شمال کشور به عنوان یکی از عامل های اصلی نالمنی و رویکرد مرزنشینان به داد و ستد غیرقانونی کالا به شمار می رود. وقتی برنامه ای مناسب برای کارآفرینی وجود نداشته باشد، مردم مجبور خواهند بود برای گذران زندگی و تامین معيشت خانواده، به شغل های کاذب روی بیاورند و آن عدد هم که خواستار کسب درآمد از طریق فعالیت های سالم اقتصادی هستند، عمدتاً دست به مهاجرت می زنند. وضع معيشت و نرخ بالای بیکاری در برخی از نقاط باشد زیرا این افراد برای زیستن در حال کشور، ناگزیر زمینه را برای فعالیت های غیرقانونی و قاچاق فراهم می کند. در واقع، کاهش اشتغال در اقتصاد رسمی، باعث افزایش نرخ اشتغال در اقتصاد غیررسمی و قاچاق می شود. از این رو، می توان اذعان داشت نرخ بیکاری در اقتصاد رابطه مستقیمی با قاچاق دارد.

۳. عدم توسعه مناطق مرزی کشور: بسیاری از مناطق مرزی کشور، قادر زیرساخت های اقتصادی مناسب و امکانات فنی، صنعتی و کشاورزی کافی هستند و بین شاخص های توسعه در این مناطق با مرکز کشور اختلافات فاحش وجود دارد. بر مبنای تحقیقات صورت گرفته شاخص توسعه انسانی (HDI)، شاخص امید به زندگی، شاخص آموزشی و شاخص درآمدی در استان های آذربایجان غربی، کردستان، ایلام و کرمانشاه در سطوح پایین نسبت به سایر استان های کشور قرار دارند.

سه عامل فوق مهم ترین دلایل اشتغال افراد به قاچاق و کارگری مرزی در مناطق غربی کشور است. اگر شغلی وجود داشته باشد افرادی که فقط به منظور تامین نیازهای زیستی و روزانه خود به قاچاق در مناطق مرزی مشغول می باشند، طبیعتاً هیچ گاه حاضر به انجام کاری نخواهند شد که نه خود و نه خانواده هایشان از بازگشت سالم آنها به خانه هایشان مطمئن نباشند.

راهکارهای پیشگیری

آنچه مشخص است این است که اگر در نقاط مرزی غرب کشور اقداماتی اندیشه شود که اشتغال افراد به کارگری مرزی کاهش پیدا کند، به طور یقین شاهد کاهش شدید قاچاق در این منطقه خواهیم بود؛ زیرا به علت صعب العبور بودن این مناطق بایستی بخشی از ورود کالا از طریق کارگر مرزی انجام شود. آنچه که متابفانه در مناطق کشور در راستای مبارزه با قاچاق بیشتر مشاهده می کنیم، مقابله نیروهای انتظامی می باشد که متابفانه زیان اصلی در این بخش متوجه همین کارگران مرزی می باشد که فقط برای گذران زندگی به این کار روی می آورند.





تأثیرات برگزاری نمایشگاه‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و جهانگردی

* رضا سلیمانی

مدیر عامل نمایشگاه بین‌المللی استان کرمانشاه



وسيع موجبات رونق و شکوفايی اقتصادي کشورها را فراهم می آورد و بدون تردید برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی به عنوان عامل مهم برقراری ارتباط نزدیک‌تر میان بازارهای جهان به توسعه بازرگانی کشورهای سهیم در بریانی یک نمایشگاه بین‌المللی کمک شایان توجهی می‌نماید. به طور ویژه آن دسته از نمایشگاه‌های بین‌المللی که در رشته‌های صنایع و خدمات بازرگانی در کشورهای جهان برگزار می‌گردد، مراکز توسعه مبادلات بازرگانی به شمار می‌روند. این گونه نمایشگاه‌ها به خصوص از دیدگاه صادرات کالاهای غیر نفتی بهترین فرصت را برای تولیدکنندگان داخلی فراهم می‌آورند تا کالاهای مختلف خود را به بازدیدکنندگان و خریداران بالقوه و بالفعل معرفی کنند، برای این کالاهای بهترین روش‌های ممکن بازاریابی نموده و نهایتاً بازار فروش خود را توسعه دهند.

توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی

از دیگر نتایج بسیار مهم برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی، عقد قراردادهای عده و انجام سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین بخش‌های دولتی و خصوصی کشورهای شرکت کننده در نمایشگاه است که در مقیاس قابل توجهی بر روابط بازرگانی خارجی کشورها تاثیر مثبت می‌گذارد. در واقع نمایشگاهها به متزله فرصتی مناسب برای باز شدن دریچه‌های جدید به روی کشورهای شرکت کننده به منظور مشارکت و همکاری با یکدیگر تلقی می‌شوند که باید از این فرصت استفاده کنند.

بالا رفتن سطح تولیدات و افزایش درآمد عمومی نمایشگاه‌های بین‌المللی در بالا رفتن سطح تولیدات داخلی و افزایش درآمد عمومی (که از نتایج جنبی برگزاری آنها محسوب می‌شود)، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. سرمایه‌گذاری‌های مشترکی که در طول برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی بین مؤسسات شرکت کننده‌ی داخلی و مؤسسات دیگر کشورهای درگیر در نمایشگاه صورت می‌گیرد، آغازی است برای به وجود آمدن واحدهای تولیدی کوچک و بزرگ داخل کشور. این امر در نهایت منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای نیروی

مقدمه
نمایشگاه پدیده‌ای برآمده از دوران مدرن است که بنا به ضرورت تولید و عرضه‌ی ابوبه کالا در سده‌ی نوزدهم ظهرور کرد. آنچه به عنوان نمایشگاه مد نظر است خاستگاه و ضرورت‌های پیچیده این دوران و مابعد آن را در بر می‌گیرد. در عصر مدرن مکان و فضا باز تعریف شد و نسبت آن با زیست جهان انسان و فناوری در کانون توجه قرار گرفت. بر این اساس معماری و ساختار بصری نمایشگاه در روزگار حاضر کارکرد های متنوعی دارد که حول کنش ارتباطی در عرصه‌های مختلف حیات بشری متمرکز شده است. نمایشگاه نقش یک رسانه را ایفا می‌کند که در آن شرکت کننده با در اختیار داشتن غرفه و امکانات آن و محصولاتی که در آن به نمایش می‌گذارد به عنوان فرستنده، وارد عمل شده و بازدید کننده نیز حکم گیرنده اطلاعات را پیدا می‌کند. به طور کلی شرکت‌ها برای

ساختن تصویری مثبت از خود در اذهان، لازم است به مخصوصیت روی آورند که تخصص اصلی آنها در زمینه ارتباطات باشد تا به کمک این متخصصین به طراحی سیاست‌های ارتباطی خود مبادرت ورزند. هیچ یک از وسائل ارتباط جمعی همچون نمایشگاه دارای کاربرد چند بعدی نیست. در نمایشگاه می‌توان علاوه بر جذب مشتریان جدید و بهبود مناسبات با مشتریان فعلی، از تغییرات در ترکیب متقاضیان و رفتار مصرف کنندگان اطلاع حاصل کرد و هم در نمایشگاه است که ضمن تماس مستقیم با مشتری می‌توان اطلاعات مورد نیاز او را در اختیارش گذاشت و او را در جریان کیفیت کالا، طرز کار، خدمات پس از فروش و غیره قرار دارد. توجه به مدیریت نمایشگاه و تبلیغات حرفه‌ای و تخصصی، شفاف سازی برای مشارکت کنندگان و لزوم نظام حمایتی و رعایت اصول بازرگانی و نمایش کالا، توجه به شرایط حاکم بر جامعه و همکاری و مشارکت همه‌ی عوامل در گیر نمایشگاه و توجه به زمان و فضای برگزاری نمایشگاه از جمله عوامل مؤثر بر موفقیت نمایشگاه‌های تخصصی بین‌المللی است.

به طور کلی برگزاری نمایشگاه‌ها، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، اثرات متنوع و همه جانبه‌ای را در جنبه‌ها و ابعاد گوناگون برای شهرها و کشورهای برگزارکننده و میزبان نمایشگاه به همراه دارد. در این مقاله برخی از این تأثیرات را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بررسی و تحلیل می‌کنیم.

اثرات اقتصادی

از جمله مهمترین اثرات اقتصادی نمایشگاه‌ها می‌توان به مواردی نظری افزایش حجم مبادلات بازرگانی خارجی، توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی، بالا رفتن سطح تولیدات و افزایش درآمد عمومی و ایجاد رقابت‌های سالم داخلی و بین‌المللی اشاره نمود که در ادامه به بررسی هر یک از موارد ذکر شده می‌پردازیم.

افزایش حجم مبادلات بازرگانی خارجی

گسترش ابعاد بازرگانی خارجی نیاز به تلاشی سازنده و کوششی پیگیر دارد. بدینهی است که افزایش مبادلات تجاری در سطح بین‌المللی و در مقیاسی



KRCCIMA

دانش و شناخت بازدیدکنندگان کمک می کند و بازدیدکنندگان از هر قشر و طبقه، با اطلاعات جدیدی که در طول مدت برگزاری نمایشگاه ها به دست می آورند بر غنای فرهنگی خود و جامعه می افزایند.

جذب جهانگردان خارجی

امروزه صنعت جهانگردی در بسیاری از کشورهای جهان درصد قابل توجهی از درآمدهای ملی را به خود اختصاص داده است و بدین منظور دولتها می کوشند با بهره‌گیری از ابزارهای متعدد و متنوع جهانگردان خارجی را جذب نمایند. در این خصوص نمایشگاههای بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند چرا که در زمان بربایی نمایشگاهها، شمار زیادی از کشورهای مختلف جهت شرکت در نمایشگاه و بازدید از آن، راهی کشور برگزارکننده می‌شوند و این امر می‌تواند موجب رونق گرفتن صنعت توریسم کشور میزبان نمایشگاه باشد. به علاوه تبلیغاتی که کشور میزبان از طریق خبرگزاری‌ها و کلیه وسائل ارتباط جمعی بین‌المللی انجام می‌دهد خود بهترین عامل جذب جهانگردان خارجی است.

موارد ذکر شده تنها بخشی از تأثیرات گسترده‌ای بود که برگزاری نمایشگاههای ملی و بین‌المللی در سطح اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای کشورهای برگزارکننده و شرکت کننده به همراه دارند، بی‌تردید به مرور زمان و با توجه به پیشرفت لحظه‌ای علم و صنعت و افزایش رقابت بین کشورها در عرصه‌ی تجارت و تلاش روز افزون شرکت‌ها جهت تولید محصولات جدید، بازار برگزاری نمایشگاهها در سطح جهان بیش از پیش گرم خواهد شد و به تبع آن تأثیرات برگزاری این رویدادهای جهانی در زمینه‌های مختلف فراگیرتر خواهد گشت.



کار موجود در کشور و در نتیجه افزایش درآمد برای مردم بومی منطقه‌ی برگزاری نمایشگاه می‌گردد. از سویی دیگر با توجه به مکانیسم عرضه و تقاضا، از دیاد کارگاههای تولیدی فعال در زمینه‌های مختلف در برقراری نظام اقتصادی کشور و تثبیت و تحکیم هر چه بیشتر این نظام نیز تاثیر بسزایی خواهد داشت و نوسانات احتمالی در این خصوص را تعديل می‌کند.

ایجاد رقابت‌های سالم داخلی و بین‌المللی
مشارکت در نمایشگاههای بین‌المللی که در آن کلیه صاحبان صنایع و مؤسسات صادراتی کشورها در یک مکان جمع می‌شوند تا صنایع و کالاهای خود را در معرض دید عموم قرار دهند و واحدهای تولیدی علاوه بر محصولات سنتی آخرین دستاوردهای صنعتی خود را به نمایش می‌گذارند، نوعی رقابت را بین تولیدکنندگان به وجود می‌آورد و آنها را به افزایش کیفیت، کیفیت و بهره‌وری تولید و نیز اتخاذ سیاست‌هایی برای توسعه‌ی کسب و کار خود تشویق می‌کند. توجه به تکنولوژی مدرن کشورها و استانداردهای بین‌المللی یکی از عوامل به وجود آمدن کارگاههای متعدد تولیدی است، که نهایتاً در ایجاد رقابت‌های سالم در بازارهای داخلی و بین‌المللی مؤثر واقع می‌شود.

علاوه بر این شرکت در نمایشگاههای بین‌المللی سایر کشورها می‌تواند وسیله‌ای بسیار مؤثر برای آموزش بازارگانان داخلی و آشنا نیز آنها با محصولات مشابه سایر کشورها باشد. برگزاری این نمایشگاهها به شرکت کنندگان این امکان را می‌دهد تا با دید بازتر و منصفانه تری به بررسی کالاهای صادراتی خود بپردازند و با تحلیل صنایع و کالاهای تولیدی خود از نظر نوع کالا، حجم، کیفیت، قیمت و مقایسه‌ی این پارامترها با کالاهای مشابه که بیشتر مورد توجه خریداران قرار گرفته بوده‌اند، در مورد صنایع و تولیدات خود تجدید نظر کنند و تغییرات لازم را جهت بهینه سازی فرآیند تولید محصولاتشان لحاظ نمایند.

از سویی دیگر تشکیل این گونه نمایشگاهها در هر کشوری به صاحبان صنایع آن کشور فرصت می‌دهد تا فعالیت‌های خود را در زمینه بازارگانی خارجی ارزیابی نمایند. این‌گونه نمایشگاهها علاوه بر اثری که بر بالا رفتن سطح تولید می‌گذارند، انگیزه‌ای برای توسعه‌ی واحدهای تولیدی کشور برگزارکننده‌ی نمایشگاه نیز خواهند بود.

اثرات فرهنگی

نمایشگاه و صنعت نمایشگاهی آینه‌ی تمام نمای ویژگی‌های ملتها است. گذشته از گسترش روابط بازارگانی متقابل در نمایشگاهها، مختصات فرهنگی و آداب و رسوم ملت‌های حاضر در نمایشگاه (به ویژه ملت میزبان) نیز قویاً مورد قضاؤت قرار می‌گیرد. به جرأت می‌توان گفت یکی از مهمترین عواملی که بازدیدکننده‌ی غیر مخصوص را به نمایشگاه می‌کشاند، همین احساس کنگناوی درباره نحوه‌ی زندگی ملل مختلف و آشنا نیز با آداب و رسوم و طرز برخورد و روابط اجتماعی آنها است.

اهمیت بعد فرهنگی نمایشگاهها بر سازمان دهنده‌ی و شرکت کنندگان نیز پنهان نمانده است و آنها نیز غالباً در زمینه‌ی اعتلای این بخش اقدامات فرهنگی بسیاری را در دستور کار خود قرار می‌دهند. تلاش‌های گسترده در جهت معرفی فرهنگ و آداب و رسوم ملی از طریق معماری ساختمان‌ها، تزئین غرفه‌ها و نصب و نمایش عکس‌ها و اسلایدها در نمایشگاههای بین‌المللی شاهدی بر این مدعای است.

در حقیقت نمایشگاه به مثابه دانشگاه بزرگی است که در آموزش افراد نقشی با ارزش و غیر قابل انکار دارد. برگزاری هر نمایشگاه به افزایش





شناسایی خوشه های صادراتگرای استان کرمانشاه با رویکرد آشنایی با خوشه های صادراتگرای نخود و دام زنده استان



* مهندس علیرضا یزندی
- کارشناسی مهندسی صنایع گرایش تولید صنعتی
- کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی MBA
- مشاور امور صنعتی اتاق بازرگانی کرمانشاه
- عامل توسعه خوشه نان برنجی و شیرینی سنتی کرمانشاه

مؤسسات و واحدهای مشاوره فنی، مالی، بازاریابی، خرید، فروش و ... بطور طبیعی و یا با هدایت و تدبیر دولت، در درون خوشه ها شکل می گیرند.

خوشه های صادراتگرای

خوشه های صنعتی و صادراتگرای یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع تاکید بر استفاده از مزیتهای رقابتی هر منطقه و تناسب و انطباق با شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی نواحی، که نهایتاً به سامان یافتن نوعی نظام همکاری جمعی مبتنی بر تار و پود اجتماعی خاص هر منطقه منجر شده و به تکثیر ثروت با کمترین عوارض اجتماعی و سریع ترین سرعت ممکن منتهی می گردد، اصلی ترین دلیل کارآمدی الگوی خوشه های صنعتی و صادراتگرای در نظام های اقتصادی است.

خوشه های صنعتی و صادراتگرای یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط هستند که کاستیهای صنایع کوچک و متوسط را رفع و مزیتهای مختلف صنایع کوچک، چون انعطاف پذیری و تنوع را تقویت می بخشند. خوشه صنعتی و صادراتگرای مجموعه ای از بنگاه های تولیدی و خدماتی دریک رشته است که با تکیه بر سرمایه های قوام یافته اجتماعی در مناطق مختلف جغرافیایی در کنار نهادهای پشتیبان و از طریق روابط متراکم میان بنگاهی شکل می گیرد. در مورد ایران، متاسفانه علی رغم جدی بودن بحران اشتغال و توسعه منطقه ای و پاره ای از دیگر دلایل، توسعه خوشه های صنعتی و صادراتگرای تاکنون به عنوان یک رویکرد راهبردی، مورد حمایت و پیگیری قرار نگرفته است. با توجه به تعاریف فوق خوشه های نخود و دام زنده بعنوان خوشه های صادراتگرای پیشنهادی در این راستا و در استان کرمانشاه معرفی می گرددند که نقاط ضعف و قوت و نیز چالش ها و فرصت های رو در روی این خوشه ها در این تحقیق شرح داده شده اند.

استراتژیک و اجتناب ناپذیر برخوردار است. اجتماع واحدهای تولیدی یا خدمات مرتبط با یک موضوع و محصول خاص در یک منطقه، از گذشته در نظام های اقتصادی گوناگون به انواع و اقسام مختلف وجود داشته است. این مساله قویترین و اصلی ترین دلیل شکل یافتن تئوری خوشه های صنعتی یا صادراتگرای در سیستم های اقتصاد مدرن است. هم اکنون خوشه های صنعتی و صادراتگرای به یکی از کارآمدترین و فرآیندترین مدل های توسعه ملی و منطقه ای در سطح جهان تبدیل شده اند. تاکید بر استفاده از مزیتهای رقابتی هر منطقه و تناسب و انطباق با شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی نواحی، که نهایتاً به سامان یافتن نوعی نظام همکاری جمعی مبتنی بر تار و پود اجتماعی خاص هر منطقه منجر شده و به تکثیر ثروت با کمترین عوارض اجتماعی و سریع ترین سرعت ممکن منتهی می گردد، اصلی ترین دلیل کارآمدی الگوی خوشه های صنعتی و صادراتگرای در نظام های اقتصادی است. با توجه به تعاریف فوق خوشه های نخود و دام زنده بعنوان خوشه پیشنهادی در این راستا معرفی می گرددند.

چکیده: خوشه های صنعتی و صادراتگرای یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط هستند که کاستیهای صنایع کوچک و متوسط را رفع و مزیتهای مختلف صنایع کوچک، چون انعطاف پذیری و تنوع را تقویت می بخشند. خوشه صنعتی و صادراتگرای مجموعه ای از بنگاه های تولیدی و خدماتی دریک رشته است که با تکیه بر سرمایه های قوام یافته اجتماعی در مناطق مختلف جغرافیایی در کنار نهادهای پشتیبان و از طریق روابط متراکم میان بنگاهی شکل می گیرد. در مورد ایران، متاسفانه علی رغم جدی بودن بحران اشتغال و توسعه منطقه ای و پاره ای از دیگر دلایل، توسعه خوشه های صنعتی و صادراتگرای تاکنون به عنوان یک رویکرد راهبردی، مورد حمایت و پیگیری قرار نگرفته است. با توجه به تعاریف فوق خوشه های نخود و دام زنده بعنوان خوشه های صادراتگرای پیشنهادی در این راستا و در استان کرمانشاه معرفی می گرددند که نقاط ضعف و قوت و نیز چالش ها و فرصت های رو در روی این خوشه ها در این تحقیق شرح داده شده اند.

مقدمه: حدود دو دهه است که توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه ها، بعنوان یک استراتژی نوین مورد توجه برنامه ریزان و سیاستگذاران در کشورهای صنعتی و در حال توسعه قرار گرفته است. سازمانهای بین المللی همچون UNIDO، ILO و بانک جهانی نیز طرحهای متعددی را از طریق توسعه خوشه های صنعتی در کشورهای مختلف اجرا و حمایت کرده اند. بزرگترین معضل بنگاه های کوچک و متوسط (SMEs)، دستیابی به مقیاس های مناسب تولید است؛ بسیاری از این واحدها صرفه به مقیاس نداشته و به همین دلیل نمی توانند شرایط لازم برای پایداری و رقابت خود را در بازارها به وجود بیاورند. از دیگر مشکلات عمده بنگاه های کوچک و متوسط، که به ویژه در کشور ما از شدت بیشتری برخوردار است، ضعف نهادهای خدماتی و پشتیبان یا

خوشه های صنعتی و صادراتگرای مجموعه ای از بنگاه های تولیدی و خدماتی در یک رشته است که با تکیه بر سرمایه های قوام یافته اجتماعی در مناطق مختلف جغرافیایی در کنار نهادهای پشتیبان و از طریق روابط متراکم میان بنگاهی شکل می گیرد.

در قالب خوشه های صنعتی، مشکلات فوق مرتفع خواهد شد. زیرا از سوی به علت تجمع واحدهای همگن، تولید در مقیاس های اقتصادی و انبوی صورت خواهد گرفت و از طرف دیگر انواع خدمات کسب و کار در قالب



سیستم کارکرد برای دو سطح عامل و خوش، همچنین تهیه گزارشات ادواری از پیشرفت کار در سطح اجزاء خوش تا پایان زمان حضور در خوش

گام پنجم: خارج شدن از خوش

در این مرحله به عنوان عامل توسعه خوش، ابتدا زمان خروج از خوش را اعلام می کنیم و چند ماه بعد طی برنامه زمانبندی اعلام شده عملاً بطور کامل از خوش خارج می شویم.

نتیجه گیری

امروزه در اکثر کشورهای جهان، صنایع کوچک و متوسط از جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش آفرینی هستند. همچنین در کشورهای در حال توسعه، صنایع کوچک و متوسط عامل راهبردی برای توسعه اقتصادی، اشتغالزایی و رقابت پذیری صنایع می باشند. این در حالی است که در کشور ما با وجودی که بیش از ۹۰ درصد واحدهای تولیدی در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار می گیرند، بدليل نداشتن استراتژی توسعه مبتنی بر ساختارهای موجود صنعتی و رها کردن واحدهای کوچک تولیدی به حال خود، این بنگاه ها نتوانسته اند سهم قابل توجهی در تولید ناخالص ملی و ایجاد ارزش افزوده داشته باشند و از کمبود های شدیدی در رنج هستند که صنایع واپسیه به بسته بندی و فرآوری نخود از جمله این صنایع است. مقایسه پتانسیلها و عملکردهای صنایع واپسیه به نخود در کشور ما با کشورهای پیشرفتی ای چون کانادا ضرورت تقویت و سازماندهی خوش گزارش نداشتند. این در پیش از نخود اشاره می شود:

۱. فقدان مقیاسهای لازم از جنبه های مختلف سرمایه، تولید و بازار
۲. فقدان محیط های مناسب رشد کسب و کار از جنبه های مختلف حقوقی، قانونی و...

۳. فقدان زیر ساختهای نرم افزاری و تشکیلاتی

۴. تولید با فناوریهای کهن و عدم دسترسی به تکنولوژیهای نوین
۵. فقدان ارتباط منسجم با شبکه های بانکی و مالی کشور
۶. عدم وجود شبکه های همکاری میان بنگاهی
۷. عدم شناخت از بازارهای هدف

در مورد خوش دام زنده نیز مطالعات انجام شده در قالب مصاحبه های حضوری و تهیه پرسشنامه از صاحبنظران و فعالین درین حوزه نشان داد که نقاط ضعف و قوت و نیز چالش ها و فرصت های رو در روی این خوش ه شرح زیر احصاء گردید:

چالش ها:

۱. عدم هماهنگی لازم جهت صادرات با اتحادیه صادرکنندگان دام زنده
۲. وجود دلالان در گمرک آبادان که باعث تحمیل هزینه های گزاف می شوند
۳. ممنوعیت صادرات دام زنده از استان کرمانشاه به کشور عربستان در سال ۱۳۸۷ توسط سازمان قرنطینه امور بین المللی که این باعث پایین آمدن بسیار صادرات دام به کشور عربستان شد (بصورت موردي صادرکنندگان کرمانشاه از استان همدان صادرات را تجام دادند که میزان آنهم بسیار پایین بود)

فرصتها:

۱. بهترین دام کشور در اختیار بنگاههای فعال استان کرمانشاه
۲. نزدیک بودن به مبادی خروجی صادرات
۳. کار تخصصی واکسیناسیون و امور بهداشتی در استان کرمانشاه بصورت مکانیزه
۴. دارا بودن خوراک دام موجود در خوش دام زنده استان کرمانشاه با بهترین کیفیت
۵. دام های استان های دیگر بدليل اقلیم خوب و شرایط آب و هوایی چهار فصل کرمانشاه کاملاً در استان کرمانشاه سازگار هستند
۶. وجود افراد متخصص در امر صادرات دام زنده در استان کرمانشاه
۷. اکثر فروشنده های کشورهای عربی و حوزه خلیج فارس کرمانشاهی هستند

کاشت نخود در کرمانشاه از حدود سال ۱۳۴۲ آغاز گردیده و بتدريج در نواحي اطراف گسترش يافته است. صادرات آن از سال ۱۳۷۰ شروع گردید. نخود علاوه بر آن که بصورت پخته، به مصرف خوراکی می رسد، آرد آن نیز برای تغذیه استفاده می گردد. با توجه به اينکه استان کرمانشاه استانی است که مستعد برای کشت نخود است، لذا كليه صنایع وابسته و حتی سیستمهای بازاریابی بطور متراکم در آن مستقر نیستند. با توجه به اهداف خوش های صادراتگرا و راهبرد آن، سازماندهی و ارتقاء خوش گزارش نخود می تواند بسياری از منافع اقتصادی را برای واحدها، منطقه و کشور فراهم نماید.

پرورش و نگهداری دام زنده و صادرات آن نیز از سال ۱۳۷۱ بطور موردي و جزئی و از سال ۱۳۸۳ بطور مستمر شروع گردید در ۱۰ سال گذشته طی سال های ۱۳۷۱-۱۳۷۸ صادرات بسیار جزئی بود و بدین صورت انجام می گرفت که مجوز به عنوان یک برگه از گران خریداری می شد و در ازای هزینه پرداخت شده تعدادی رأس دام در اختیار صادرکنندگان قرار می گرفت و بعد از پایان تاریخ مجوز دیگر صادرکننده اجازه فعالیت در زمینه صادرات دام نداشت تا سال آینده یا هر زمانی که موعد فروش مجوزها فرا می رسید و برگه های مجوز با هزینه گزافی تهیه می شد

- مراحل اجرای پروژه

گام اول: مطالعه شناختی

مطالعه شناختی برای خوش بسته بندی و فرآوری نخود بشرح ذيل انجام می شود

۱. گردآوری اطلاعات و مطالعه زمینه ها و سوابق تاریخی
۲. شناخت عوامل محیطی موثر بر خوش (فرصتها و تهدیدها)
۳. مطالعه وضعیت درونی خوش و تعریف نقاط قوت و ضعف
۴. مطالعه مسائل استراتژیک تحلیل نقاط قوت خوش
۵. تدوین استراتژی در سطح رشته فعالیت بسته بندی و فرآوری (در موردنخود)
۶. تحلیل زنجیره ارزش (Value chain) و نقشه خوش در وضعیت موجود
۷. بررسی ساختاری و کارکرد خوش در وضعیت های موجود و مطلوب و تشخیص تقاضتها و تبیین فاصله های موجود
۸. ارائه نقشه خوش در وضعیت مطلوب
۹. ارائه راهکارهای ساختاری و کارکردی جهت حصول به وضعیت مطلوب در خوش
۱۰. ارائه استراتژی های پیشنهادی برای خوش در سطح اولیه و کلی

گام دوم: آماده سازی

در این گام مراحل زیر انجام می شود:

۱. بسط اعتماد و همکاری بين واحدها و حداکثرسازی و بهره برداری از سرمایه اجتماعی
۲. بهبود وضعیت نهادهای فعال و دست اندر کاران و بستر سازی برای تاسیس فعالیت های مورد نظر
۳. ترغیب، تشویق و ارتقاء سطح تعامل بخش های عمومی و خصوصی در خوش بسته بندی و فرآوری (در موردنخود)
۴. بهینه سازی و توسعه روابط متقابل و در سطوح مختلف و زیر مجموعه های خوش

۵. تبیین و تدوین چشم انداز، اهداف و استراتژیهای مشترک

ع ارائه مشورت و هدایت در تدوین برنامه عملیاتی سالانه

- گام سوم: پیاده سازی برنامه توسعه خوش بسته بندی و فرآوری نخود در مرحله پیاده سازی برنامه خوش اقدامات زیر انجام می شود:

۱. تسهیل و هدایت برنامه اجرایی (سالانه) خوش بسته بندی و فرآوری (در موردنخود)

۲. پویا سازی و تثبیت ساختار و کارکرد خوش

گام چهارم: نظارت

در این مرحله کار نظارت، پیگیری و ارزیابی امور مربوط به خوش از طریق ارائه



دیدگاه مدیریت در نگهداری و تعمیرات فرآگیر



* دکتر بابک جمشیدی نوید
عضو هیات علمی دانشگاه
مشاور مالی اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی کرمانشاه

نیازهای جدید و دقیق، کارخانجات به استفاده از ابزارهای با فناوری بالا هم‌انند سیستم‌های تولید انعطاف پذیر متایل شده‌اند. در این راستا بهره‌گیری روش‌هایی مانند تولید همزمان یا بهنگام اهمیت پیدا کرده است. پیامد این رویکردها باعث شده تا نصب و تنظیم تجهیزات به کمترین زمان رسیده باشد. همه این عوامل سبب شده تا در نت دیدگاه‌های جدیدی ایجاد شود. یکی دیگر از مهمترین عوامل، وقوع اتفاقات غیر مترقبه است که باعث از کار افتادگی برخی ماشین‌آلات می‌شوند. بر اساس این واقعیات می‌توان توجه زیاد به مقوله نت را از سوی مدیریت سازمانهای بزرگ توجیه کرد. در عین حال باید اذعان نمود که متأسفانه در بسیاری از سازمانهای نت سودمند کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در هر حال سازمانها برای بدست آوردن قدرت رقابت در بازار باید توجه زیادی به نت و برنامه‌های جدی و مؤثر در این زمینه داشته باشند. توسعه و استقرار یک برنامه جامع بهبود دهنده نت شامل موارد زیراست:

۱. مدیریت نت
۲. عملیات نت
۳. مدیریت تجهیزات

به کار بردن موارد فوق باعث بوجود آمدن یک چارچوب کلی برای یک برنامه پیوسته نت بهبود دهنده می‌گردد. این مراحل به کمک روش‌های زیر و از طریق یک فلسفه جامع مدیریت در نت قابل انجام است:

۱. ارزیابی از وضعیت نت از طریق یک برنامه طراحی شده مناسب برای بازرسی جامع از بخش‌های مرتبط.
۲. گسترش ابزارهای لازم برای تحلیل نتایج حاصله. این عمل به شناخت وضعیت نت و شناسایی پتانسیلهای موجود منجر شده و زمینه را برای بهبود خودسازی مهیا می‌کند.
۳. بهبود تطبیقی: این کار ابعاد جدیدی به تلاشهای بهبود می‌دهد. بر این اساس، تلاش برای دستیابی به عالی ترین بهبود با داشتن بهترین اهداف بر پایه بهترین عملیات نت میسر می‌گردد.

در ادامه این مقاله، یک سیستم مدیریت در نت فرآگیر ارائه و تشریح می‌شود. همچنین چگونگی اندازه گیری و افزایش بهره وری نت و ممیزی و بهبود مستمر آن مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد و بالاخره با مشخص شدن فرآیند بهبود تطبیقی نت، از مطالب نتیجه گیری مطلوب صورت می‌گیرد.

۲- مدیریت در نگهداری و تعمیرات فرآگیر
مدیریت در نت فرآگیر را می‌توان به عنوان یک روش سیستماتیک برای نت تعریف نمود که در برگیرنده سه زیر سیستم به شرح زیر و مشابه با آنچه در مقدمه مورد اشاره قرار گرفت، می‌باشد:

۱. مدیریت نت

چکیده
گرچه در سالهای اخیر سیستمهای جامع متفاوتی در زمینه نگهداری و تعمیرات طراحی و ترویج شده است، ولی به نظر می‌رسد تاکنون مطالعه محدودی در زمینه بررسی جامع یک سیستم فرآگیر صورت گرفته است. در این مقاله یک سیستم مدیریت در نگهداری و تعمیرات فرآگیر معرفی و پیشنهاد شده است. این سیستم در سه بخش مجزا شامل مدیریت، عملیات و مدیریت تجهیزات نت تشریح شده است. همچنین، فرآیند بهبود تطبیقی نت نیز بعنوان زیرمجموعه مهمی از سیستم نت فرآگیر مورد مطالعه قرار گرفته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد سیستم پیشنهادی دارای وجود تمایز قابل توجهی نسبت به سیستمهای رایج است. از جمله اینکه به سیستم مدیریت کیفیت فرآگیر نزدیکتر بوده و همه کارکنان سازمان در آن مشارکت فعال دارند. همچنین، سیستم پیشنهادی از نظر تاکید ویژه بر ممیزی، بهبود تطبیقی و بهبود مستمر نت دارای مزیت نسبی است. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که استراتژی مدیریت در نت فرآگیر نه تنها با خدمات سخت افزاری نت مرتبط است، بلکه موارد مهمی نظیر کیفیت، رضایت مشتری و ارزش مادی را نیز شامل می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت در نگهداری و تعمیرات فرآگیر، افزایش بهره‌وری، ممیزی در نگهداری و تعمیرات، مدیریت تجهیزات، بهبود مستمر، بهبود تطبیقی



مقدمه
سیستم‌های نگهداری و تعمیرات (نت) در سالهای اخیر تغییرات شگرفی داشته‌اند. امروزه تمرکز از مدیریت جزئی نگر به مدیریت کلی نگر تغییر کرده و شرایط بازار بیشتر با توجه به تغییرات، کارائی و کیفیت شناخته می‌شود. سیستمهایی نظیر نگهداری متمرکز بر قابلیت اطمینان، مدیریت ماشین‌آلات فرآگیر، مدیریت مواد مورد استفاده در نت، مدیریت تجهیزات فرآگیر، مدیریت کیفیت فرآگیر و قراردادهای مبتنی بر عملکرد و با تحول روش‌های تولید، عمر چرخه تولید کاهش یافته و برای پاسخ دادن به

